

روش‌شناسی القاء شبهه توسط مخالفان و مدعیان دروغین مهدویت

سیدمسعود پورسیدآقایی^۱

سیدمحمد فهیمی اصفهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده

اندیشه مهدویت از مسائل مهم و اساسی اسلام و بلکه اعتقاد به منجی آخرالزمان، وجه اشتراک تمام ادیان الهی است. جایگاه و اهمیت این اعتقاد و ظرفیت‌های بالای آن در حوزه فردی و اجتماعی، باعث شده تا این اندیشه در طول تاریخ، همواره مورد حمله و شبهات و سوءاستفاده دشمنان تشیع و افراد سودجو و حکومت‌های جائز قرار گیرد. برای دفاع از این عقیده و پاسخ دقیق و مناسب به شبهات مهدویت؛ آشنایی با شگردها و ترفندهای شبهه‌گری توسط مخالفان و مدعیان دروغین مهدویت، لازم و ضروری است. در این پژوهش، با روش توصیفی - کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی، آثار شبهه‌گران مشهور مهدویت، از میرزا غلام احمد قادیانی و علی محمد باب گرفته تا شبهه‌گران معاصر مانند ناصر قفاری، عثمان الخمیسی، احمد کاتب و احمد اسماعیل بصری و نقدها و ردیه‌های نوشته شده بر آنها مورد بررسی قرار گرفته و ۳۰ مورد از ترفندها و روش‌های القاء شبهه در مباحث مهدویت، شناسایی و همراه با نمونه‌هایی مستند، معرفی گردیده است. جعل، تحریف و تقطیع روایات، مغالطه، تأویل بدون دلیل، استناد به نقل‌های شاذ، ترور شخصیت، استناد به رؤیا و استخاره و استفاده از علوم غریبه و نیروهای ماورایی از جمله شیوه‌هایی هستند که توسط شبهه‌گران عرصه مهدویت، برای ایجاد شبهه و فریب افراد و تحریف و تخریب اندیشه مهدویت به کار گرفته می‌شوند.

واژگان کلیدی: مهدویت، شبهات مهدویت، القاء شبهه، روش‌شناسی، مدعیان دروغین، مغالطه، تحریف، تقطیع، جعل حدیث، تأویل.

۱. استاد درس خارج حوزه علمیه قم.

۲. دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث و سطح چهار تخصصی مهدویت مؤسسه آینده روشن قم، ایران (نویسنده مسئول) (smfahimi1519@gmail.com).

مقدمه

پیشینه اعتقاد به منجی آخرالزمان به ادیان پیش از اسلام برمی‌گردد و شاید بتوان رد پای شبهات در این موضوع را در ادیان گذشته نیز جست‌وجو کرد، اما طرح شبهات در موضوع مهدویت به طور خاص، توسط مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام و گروه‌های دنیاطلب، به آغاز شکل‌گیری نظریه مهدویت و مطرح شدن آن توسط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دوران تبیین این نظریه توسط اهل بیت علیهم‌السلام برمی‌گردد.

جعل روایات مهدویت فراوان، توسط برخی از صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام، مانند ابوهیریه و کعب الاحبار و... که نمونه آنها را در کتاب‌هایی مثل *الفتن* ابن حمّاد می‌توان مشاهده نمود و همچنین ظهور مدعیان دروغین مهدویت در دوران حضور اهل بیت علیهم‌السلام و یا ادعای مهدویت درباره افرادی همچون محمدبن حنفیه، عمر بن عبدالعزیز، مهدی عباسی و... (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱ش: ۴۹-۸۰؛ مظفری، ۱۳۹۲ش: ۱۳-۱۶)، شاهد روشنی بر وجود شبهات مهدویت در عصر حضور امامان معصوم علیهم‌السلام است.

همزمان با سیر تطوّر نظریه مهدویت، سیر شبهه‌افکنی‌ها پیرامون این اعتقاد نیز، از دوران صدر اسلام تاکنون، فراز و فرودهای فراوانی داشته است. جالب توجه این‌که با مطالعه و دقت نظر در سیر و تاریخ شبهات مهدویت، می‌توان دریافت که اوج فعالیت‌های پژوهشی و تبیینی پیرامون معارف مهدویت و تدوین مهم‌ترین آثار حدیثی و کلامی در این زمینه نیز، در دوره اوج شبهه‌افکنی‌ها و در حقیقت در پاسخ به شبهات در هر دوره بوده است. از دیدگاه نگارنده سیر تطوّر شبهات مهدویت و یا مراحل فراز و فرود شبهه‌افکنی‌ها پیرامون مهدویت را می‌توان در پنج دوره خلاصه نمود:

۱. آغاز شبهه‌افکنی‌ها در قرن اول و همزمان با رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ادامه آن تا ولادت امام مهدی علیه‌السلام در سال ۲۵۵ هجری (بنگرید: همان)؛

۲. اوج‌گیری شبهات مهدویت: از سال ۲۵۵ هجری قمری، همزمان با آغاز غیبت امام زمان علیه‌السلام تا انتهای قرن چهارم.

در این دوره که به دوران «حیرت» مشهور است، ظهور تعداد زیادی از مدعیان بابیت و مهدویت که منشأ شبهات فراوانی شده‌اند (مانند محمدبن نصیر ثُمیری، حسین بن منصور حلاج، شلمغانی و...) و در مقابل؛ فراوانی نگارش آثاری با عنوان «الغیبه» و «الحیره»، در تبیین عقیده مهدویت و پاسخ به شبهات آن را شاهد هستیم؛

۳. دوران فترت یا رکود نسبی: از ابتدای قرن پنجم تا انتهای قرن دوازدهم.

هرچند در این هشت قرن نیز، فعالیت‌های پراکنده‌ای را از سوی مخالفان و شبهه‌گران عرصه مهدویت و یا مدعیان دروغین، شاهد هستیم، اما در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از آن، از شدت و حجم شبهه‌افکنی‌ها کاسته شده است. ظهور شبهه‌گرانی همچون ابن تیمیه و ابن خلدون (ر.ک: العمیدی، ۱۳۷۹ش: ۲۰۶-۲۲۲) و مدعیانی چون فضل‌الله حروفی و سیدمحمد نوربخش در قرن‌های هشتم و نهم از شاخص‌ترین نمونه‌های فعالیت‌های این دوره هستند (بنگرید: جعفریان، ۱۳۹۱ش: ۸۶-۲۳۹)؛

۴. دوره تحوّل دوباره و اوج شبهه‌افکنی‌ها: دویست سال اخیر (قرن ۱۳ و ۱۴).

در این دوره که مقارن است با شکل‌گیری برخی از فرقه‌های مهم انحرافی مانند وهابیت، بابیت، بهائیت و قادیانیه؛ بار دیگر، شبهه‌افکنی‌ها پیرامون مسائل مختلف مهدویت، شدت یافت و پس از آن، توسط روشنفکرنمایانی چون احمد امین مصری و مستشرقینی چون گلدزبهر... ادامه پیدا کرد (درباره مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر، بنگرید: اسحاقیان، ۱۳۸۸ش)؛

۵. دوره تحوّل بی‌سابقه شبهه‌افکنی‌ها: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی، که دست استعمارگران را از این کشور کوتاه کرد و باعث تحولات اساسی مهمی در منطقه و جهان شد؛ شبهه‌افکنی و مقابله با نظریه مهدویت را به طور گسترده و بی‌سابقه‌ای از نظر کمی و کیفی توسط مخالفان، افزایش داد. از آن‌جا که مخالفان استقلال ایران اسلامی و دشمنان انقلاب، به حق دریافتند که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مدیون نظریه ولایت فقیه و قدرت مرجعیت شیعه است و آن هم زائیده نظریه مهدویت است؛ سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، برای تخریب این نظریه آغاز کردند که هم‌چنان نیز ادامه دارد.

تعداد شبهه‌گران عمده، علیه آموزه مهدویت نیز، در دوران پس از پیروزی انقلاب، نسبت به قبل، افزایش چشمگیری داشته است. علاوه بر برخی مستشرقان و شبهه‌گران غربی، شبهه‌افکنانی همچون، احمد الکاتب، ناصرالقفاری، عثمان الخمیس و احمد اسماعیل بصری، از جمله سردمداران دشمنی با آموزه مهدویت در این دوره هستند که آثار مستقل و پرتعدادی را تألیف و منتشر کرده‌اند.

وجه تمایز این دوره با دوره‌های گذشته، علاوه بر تعمیق شبهات، تولید و گسترش بی‌سابقه

ابزارهای شبهه‌افکنی در سطح وسیع جامعه و جهان است. به ویژه در دهه‌های اخیر، به کارگیری و استفاده از امکانات و ابزارهای پیشرفته روز دنیا اعم از رسانه، ماهواره و اینترنت و تولید فیلم‌های سینمایی توسط کمپانی‌های بزرگی همچون هالیوود و بازی‌های کامپیوتری و کلیپ‌های مختلف در فضای مجازی و...، تحوّل چشمگیری در ترویج شبهات مهدویت داشته است به گونه‌ای که این حجم از هجمه و شبهات علیه مهدویت، از صدر اسلام تاکنون، سابقه نداشته است.

در این مقدمه و قبل از ورود به اصل بحث، بررسی چهار مطلب، لازم و ضروری است:

الف) مفهوم‌شناسی شبهات مهدویت

شبهه در لغت

شُبّه در اصل از ریشه «شبهه» به معنای همانندی و هم‌شکل بودن چیزی به چیزی از نظر رنگ و ویژگی‌های ظاهری است. در لغت عرب، هرگاه مس را با ماده زرد رنگی بپوشانند تا شبیه طلا شود به آن شبهه یا شَبّه گویند. شبهه به امری گویند که تشخیص اصل یا قلابی بودن آن و حق یا باطل بودن آن مشکل باشد (ابن فارس: ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۴۲).

این واژه به معنای: پوشیدگی کار؛ چیزی که جواز و حرمت، صحت و فساد و حق و باطل در آن اشتباه شده باشد؛ مثل و مانند؛ اسم از اشتباه؛ اموری که تشخیص آنها ممکن نباشد یا آنچه از راه اشتباه انجام شده، آمده است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل ماده شبهه).

تعریف شبهه در اصطلاح

پوشاندن حق و باطل جلوه دادن آن و یا حق جلوه دادن باطل، به وسیله استدلال‌های باطل و توجیهاات فاسد را شبهه گویند.

به عبارت دیگر، شبهه عبارت است از: استدلال باطلی که به وسیله آن حق را باطل جلوه داده و یا باطل را حق جلوه دهند، به طوری که شناخت حق از باطل مشکل شود.

با توجه به ریشه اصلی شبهه که «شبهه» به معنای همانندی است؛ باید گفت: شبهه را از این جهت شبهه گویند که شبیه به حق است در حالی که حق نیست.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

وإنما سُميت السَّهبة سَهبةً لأنَّها تُشبه الحقَّ فأما أولياء الله فضيأوهم فيها اليقين ودليلهم سَمُّ الهدى وأما أعداء الله فدعأوهم فيها الضلال ودليلهم العمى (نهج البلاغه، ۸۱)؛

شبهه را به این دلیل شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. اما اولیاء خدا در موقعیت‌های شبهه‌ناک با روشنایی یقین حرکت می‌کنند و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است و اما دشمنان خدا، در این موقعیت‌ها به گمراهی دعوت می‌کنند و راهنمای آنان کوری است.

تفاوت شبهه و سؤال

توجه به این نکته لازم و ضروری است که بین شبهه و سؤال، یا پرسش، تفاوت‌های اساسی وجود دارد و باید بین آنها تمییز قائل شد. برخی از این تفاوت‌ها به طور خلاصه عبارت است از:

۱. هدف و انگیزه در پرسش، فهم و شناخت است، در حالی که هدف و انگیزه در شبهه ایجاد شک و تردید در دل مخاطب است؛

۲. پرسشگر به جهل خود دانا و در پی کسب علم است، در حالی که شبهه‌گر، خود را دانا و اهل حق را جاهل می‌پندارد و به دنبال تخریب فهم و ایمان آنهاست؛

۳. به خلاف پرسش، در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه‌گر با آمیختن حق و باطل می‌کوشد کلام باطل خود را با رنگ و لعابی از حق به دیگران منتقل کند؛

۴. پرسشگر به دنبال حق و حقیقت است اما شبهه‌گر سعی می‌کند حق را پنهان کند؛

۵. پرسشگری مثبت و سازنده است ولی شبهه‌افکنی منفی و ویرانگر است.

درباره اهمیت این موضوع و خطرات و مفاصد شبهات، همین بس که امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیت خویش، به امام حسن مجتبی علیه السلام، پیرامون تفاوت بین شبهه و پرسش و دوری از شبهات و استعانت از خداوند تبارک و تعالی برای تحقق این امر، چنین سفارش فرموده اند:

فَلْيَكُنْ ظَلْبُكَ ذَلِكَ بِتَفَهُمٍ وَتَعَلُّمٍ لَا بَتَوَرُّطِ الشُّبُهَاتِ وَغَلْقِ الْخُصُومَاتِ وَابْدَأْ قَبْلَ نَظْرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِعَانَةِ بِإِلَهِكَ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيقِكَ وَتَرْكِ كُلِّ شَائِبَةٍ أَوْجَحَّتَكَ فِي شُبُهَةٍ أَوْ أَسْلَمَتْكَ إِلَى ضَلَالَةٍ (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ۳۹۵)؛

باید جستجوی تو برای فهمیدن و آموختن باشد، نه به منظور فرو رفتن در شبهه‌ها و بالابردن ستیزه‌ها و قبل از این که این راه را ببیمایی از خداوند یاری بجوی و از او بخواه که به تو توفیق عنایت کند و آنچه تو را به شبهه اندازد یا به گمراهی واگذارت کند، ترک کنی.

تعریف اصطلاحی شبهات مهدویت

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان «شبهات مهدویت» را چنین تعریف کرد:

استدلالات باطلی که توسط افراد و یا گروه‌های انحرافی مختلف، در مسائل گوناگون حوزه مهدویت، با هدف تزلزل در عقیده صحیح و به حق مهدویت، مطرح می‌شود.

پس باید بین سؤالات و پرسش‌های پیرامون مهدویت با شبهات مهدویت، تفکیک قائل

شد.

ب) ضرورت پاسخ به شبهات مهدویت

اصل امامت از اعتقادات اساسی شیعه شمرده شده و عدم اعتقاد به امام دوازدهم و عدم پذیرش ولایت آن حضرت و انکار ایشان، در احکام شرع مقدّس برابر با کفر است. از سویی بنا به نصّ متواتر نبوی که «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه»؛ معرفت به امام زمان علیه السلام، شرط دینداری و ولایت ایشان، شرط پذیرش اعمال و عبادات در پیشگاه خداوند متعال، و مرگ همراه با عدم شناخت و معرفت به آن حضرت، مرگ جاهلی یعنی مرگ در حالت کفر و نفاق است (برای تحقیق پیرامون این حدیث، رک: فقیه ایمانی، ۱۳۷۰؛ زهادت، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، انتظار فرج، رمز حیات و پویایی و قدرت جامعه شیعه است. بنابراین تشکیک و شبهه در این اعتقاد مهم، علاوه بر این که اعتقاد فردی و دینداری انسان را در معرض خطر و نابودی قرار می‌دهد، جامعه منتظر شیعه را نیز در معرض خطر و آسیب‌های جدی قرار خواهد داد. دشمنان شیعه سال‌هاست، به قدرت و اهمیت اندیشه مهدویت، پی برده و از راه‌های مختلف از جمله شبهه افکنی، سعی در تضعیف و تخریب این اعتقاد، در بین جامعه و جوانان شیعه دارند. بر این اساس، دفع شبهات مهدویت و پاسخ محکم و عالمانه به آنها، در حکم دفاع از حریم امامت و ولایت بوده و از مهم‌ترین واجبات دینی به ویژه برای طلاب علوم حوزوی، پژوهشگران علوم قرآن و حدیث و متخصصین رشته مهدویت، به شمار می‌آید.

ج) ضرورت آشنایی با ترفندها و شیوه‌های القاء شبهات مهدویت

در مباحث مربوط به شبهه پژوهی، آشنایی با مکانیسم‌های شبهه افکی، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا انتقال مخاطب از حالت یقین یا سکوت به مرحله شک و تردید و از آن جا به سوی باطل، مکانیسم اصلی شبهه‌سازی است. این مکانیسم معمولاً در قالب مغالطه و با روش‌ها و شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد. آشنایی با ترفندها و شیوه‌های القاء شبهه، برای خنثی‌سازی تأثیر شبهه در جامعه، بسیار حائز اهمیت بوده و راه را برای ارائه پاسخ مناسب و صحیح، به شبهات همسان، هموارتر می‌سازد. در این پژوهش، با بررسی مهم‌ترین آثار مخالفان و مدّعیان مهدویت و ردّیه‌هایی که بر آنها نوشته شده است، تلاش شده تا مجموعه ترفندها و روش‌هایی که مخالفان اندیشه مهدویت و یا مدّعیان دروغین، برای القاء شبهه در

زمینه مباحث مهدویت به کار گرفته‌اند، معرفی و با ارائه نمونه‌هایی مستند، تبیین گردد. نکته قابل ذکر این‌که، شگردهای جذب افراد و شیوه‌های تبلیغ، توسط فرقه‌ها و مدعیان دروغین مهدویت را نباید با موضوع این نوشتار که شیوه‌های شبهه‌افکنی در زمینه مهدویت است، خلط نمود؛ چرا که بسیاری از شگردهای جذب و تبلیغ مدعیان دروغین مهدویت هستند که شبهه نیستند، مانند ایجاد تشکیلات و عضوگیری، رفتار عاطفی و محبت‌آمیز، اباحه‌گری و مانند اینها. رسالت این مقاله فقط، معرفی و تبیین شیوه‌های شبهه‌افکنی است.^۱

د) پیشینه بحث

پیش از این، برخی از روش‌های القاء شبهه به صورت کلی، در آثاری همچون؛ کتاب *اعجاز قرآن با گرایش شبهه‌پژوهی*، جلد اول (مفاهیم و کلیات)، نوشته محمدعلی محمدی و همچنین مقاله «بایسته‌های شبهه‌پژوهی و شبهه‌شناسی»، نگارش محمدرضا کدخدایی (فصل‌نامه علمی تخصصی پاسخ، سال اول، ش ۲، ۴۴ و ۴۷) بیان شده است. در حوزه مباحث مهدویت نیز، در برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که به صورت موردی به نقد شبهات مخالفان و مدعیان دروغین مهدویت پرداخته‌اند، تعدادی از این شیوه‌ها و ترفندها شناسانده شده‌اند؛ جواد جعفری در کتاب *حدیث حضور*، برخی از کژی‌ها و شیوه‌های شبهه‌گری احمد کاتب را معرفی کرده (۲۷-۳۴)؛ نصرت‌الله آیتی در کتاب *دلیل روشن* (۳۱-۳۸) عمده‌ترین روش‌های القاء شبهه ناصر قفاری درباره اندیشه مهدویت را و در کتاب *از تبار دجال* (گفتار سوم)، برخی از شیوه‌های شبهه‌گری مدعی‌یمانی را برشمرد و محمد شهبازیان در کتاب *ره‌افسانه*، نیز تعدادی از ترفندهای احمد اسماعیل بصری در القاء شبهات مهدویت را تبیین نموده است؛ اما تاکنون، کتاب یا مقاله‌ای که به صورت مستقل به این موضوع پرداخته و با نگاهی جامع، مجموعه ترفندها و شیوه‌های القاء شبهات در زمینه مهدویت را بررسی و معرفی کرده باشد، منتشر نشده است.

۱. برای آگاهی بیشتر از شیوه‌های جذب و تبلیغ مدعیان و فرقه‌های دروغین مهدویت بنگرید: شاکری زواردهی، *کژراهه بی‌پایان*، ۲۱۵-۲۲۱؛ محمدی هوشیار، *دگان‌های کاغذی*، ۵۳-۵۵؛ برزویی، «شیوه‌های ارتباطی مدعیان دروغین مهدویت در عصر غیبت با تأکید بر فرقه وهابیت»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۴۰، صفری فروشانی و کامیاب، «ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت»، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۵۵.

روش‌ها و ترفندهای القاء شبهات مهدویت

روش‌ها و ترفندهایی که مخالفان عقیده مهدویت و یا مدعیان دروغین، برای القاء مطالب شبهه‌انگیز خود به مخاطبان، از آنها استفاده می‌کنند را می‌توان در دو بخش، تقسیم‌بندی نمود:

الف) روش‌های درون‌متنی القاء شبهه

منظور از روش‌های درون‌متنی، روش‌ها و ترفندهایی هستند که در آنها ما با یک متن سروکار داریم و آنچه وسیله شبهه‌قرار گرفته یک متن مشخصی است. حال اعم از این که آن متن، یک متن مقدس مانند قرآن و روایات، ادعیه و زیارات مهدوی و یا یک متن علمی مانند کتاب‌ها و سخنان دانشمندان شیعه باشد که به شکل‌های گوناگون، مانند تقطیع و تحریف و... مورد استفاده برای القاء شبهه قرار گرفته است و یا این که آن متن، نوشته‌ای از مخالفان و یا مدعیان دروغین مهدویت، مانند کتاب، جزوه یا بیانیه‌ای حاوی ادعاهای بدون دلیل و مطالب شبهه‌انگیز باشد. از جمله روش‌های درون‌متنی برای القاء شبهات مهدویت، عبارتند از:

۱. ارائه فرضیه‌های علمی

در این روش، شبهه‌گران، فرضیه‌های علمی را که با ظواهر دینی ناسازگار است، ترویج می‌کنند تا در دل دین‌مداران، به ویژه اقلیت‌های عمومی که آگاهی آنها از مسائل دینی کمتر هست، بذر تردید بکارند.

نقل چنین فرضیه‌هایی، به ویژه اگر از قول دانشمندان بزرگ و صاحب‌نام باشد، خود سبب القای ناهماهنگی و تعارض علم و دین می‌شود و از آن جا که غالب مردم، داده‌های علمی را یافته‌های تجربی می‌پندارند، ممکن است آن را بر نصوص دینی ترجیح دهند. نمونه روشن استفاده از این روش، شبهه تعارض نظریه داروین درباره ابتدای آفرینش انسان با داده‌های قرآن کریم است. در موضوع مهدویت نیز می‌توان به مسئله طول عمر حضرت مهدی علیه السلام و تعارض ظاهری آن با عقل و دانش بشری و قوانین طبیعی و زیست‌شناختی (قفاری، بی‌تا: ۱۰۵۲؛ آیتی، ۱۳۹۳: ش: ۲۸۳-۳۰۰؛ العمیدی، ۱۳۷۹: ش: ۲۱۶ و ۲۲۸-۲۴۵) و یا آشکار نشدن نشانه‌های بارداری در مادر امام زمان علیه السلام و یا سخن گفتن ایشان در شکم مادر و یا رشد غیرعادی آن حضرت و تعارض همه این موارد با علم تجربی (بن‌گرید: آیتی، ۱۳۹۳: ش: ۱۳۷-۱۵۸) و یا القاء شبهه و تعارض علمی در خصوص سرایت بیماری کرونا و لزوم پیروی از دستورات و شیوه‌نامه‌های سازمان بهداشت جهانی و پرهیز از حضور در اماکن مذهبی و

مقدس، همچون حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام، مساجد و از جمله مسجد مقدس جمکران اشاره نمود.

از دیگر مواردی که می‌توان در ذیل این عنوان به آنها اشاره نمود عبارتند از: انکار مسئله مهدویت توسط روشنفکرنمایانی همچون احمد امین مصری، به بهانه تهی بودن صحیحین از احادیث المهدی و ابراز این نظریه در ساحت علم الحدیث که شرط متواتر تلقی شدن یک حدیث، ورود آن در صحیحین است! (بنگرید: العمیدی، ۱۳۷۹ ش: ۱۹۹-۲۱۹) و یا ادعای این که قرآن کریم اشاره‌ای به امام مهدی ندارد و یا این که حدیث معتبری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره او وارد نشده است (بنگرید: فهیمی، ۱۳۹۷ ش: ۴۸۹-۴۹۹) و یا ابراز این نظریه توسط مستشرقینی همچون فان فولتن، که پیدایش و اختراع عقیده مهدویت، ناشی از فشارهای سیاسی و ظلم و ستم حاکمان عباسی نسبت به مردم، به ویژه شیعیان بوده تا بدین وسیله خود را امیدوار کرده و از شدت دردهای خود بکاهند (ر.ک: همان: ۵۰۰؛ آیتی، ۱۳۹۳ ش: ۷۱-۹۲).

۲. نقد و اصلاح

نقد و اصلاح، چاقوی دو لبه‌ایی است که در دو عرصه اصلاح و تخریب، به کار گرفته می‌شود. برخی از شبهه‌گران در عرصه مهدویت، در ظاهر اصلاح طلبی و در واقع به قصد تخریب و افساد، شبهات خود را مطرح می‌کنند. قرآن کریم نیز به این نکته اشاره کرده است که برخی منافقان با داعیه اصلاح طلبی، جامعه را به تباهی و فساد می‌کشند، ولی وقتی به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید، می‌گویند ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ (بقره: ۱۲).

قرآن در آیه بعد می‌گوید:

بدانید اینها همان مفسدان‌اند و برنامه‌ای جز فساد ندارند، ولی نمی‌فهمند: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (بقره: ۱۳).

شبهات فراوانی در زمینه مهدویت، در سال‌های اخیر و با نام اصلاح طلبی در نشریات و برخی سخنرانی‌ها منتشر شده که نمونه روشنی از استفاده از این روش برای شبهه‌پراکنی است. به عنوان نمونه، ایراد گرفتن و شبهه کردن برخی افراد کم‌مایه، نسبت به خواندن دعای مشهور «الهی عظم البلاء و برح الخفاء» و پخش آن از رسانه ملی، به بهانه این که این دعا متضمن عبارات شرک‌آمیز و درخواست و طلب از غیر خداوند است و حال آن که خداوند متعال، خود در قرآن کریم، بندگانش را امر به توسل نموده (مائده: ۳۵) و در آیاتی توسل گذشتگان به پیامبران

الهی را تأیید نموده است (نساء: ۶۴؛ یوسف: ۹۳ و ۹۷). بسیاری از شبهات وهابیت نسبت به شیعیان پیرامون موضوعاتی همچون شفاعت و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام است.

۳. انتساب مطالب دروغین به شیعیان

شبهه‌گران، گاه برای القای مطلبی، آن را ابتدا به عنوان مطلب مورد قبول و مستند مسلمانان مطرح می‌کنند، سپس از آنچه بافته‌اند، نتیجه دلخواه‌شان را استخراج می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند: شیعیان معتقدند که امام زمان‌شان، بیش از هزار سال است که در سرداب سامزء مخفی شده و از آن جا ظهور می‌کند، آنها با اسبان خود، در کنار سرداب ایستاده و خواستار بیرون آمدن وی می‌باشند! ابن‌کثیر، ابن‌حجر، بن‌باز، ناصر قفاری، عبدالمحسن العباد و دیگران، این مطلب را «طوطی‌وار» در کتاب‌های‌شان، تکرار کرده‌اند. وهابیان، این مسئله را دستاویزی برای تمسخر و استهزاء شیعیان و یا زیر سؤال بردن اصل مهدویت قرار می‌دهند، در حالی که هیچ یک از عالمان بزرگ شیعه در کتاب‌های‌شان چنین مطلبی را مطرح نکرده‌اند؛ بلکه روایات معتبر فراوانی، مکان زندگی حضرت را نامعلوم معرفی و به حضور ناشناس حضرت، در بین مردم و جامعه و در مراسم حج، و یا زندگی مخفیانه ایشان، در نقاط دور دست و یا در شهر مدینه تصریح کرده‌اند (درباره افسانه سرداب بنگرید: عبدالمحسن العباد: ۱۳۹۳: ۲۳-۲۵؛ آیتی، ۱۳۹۳ش: ۱۸۳-۱۹۹).

۴. ارائه نظریه فرد و استنتاج کلی

استناد و استدلال به سخنان یا فتاوی ضعیف و غیرمشهور و برجسته‌سازی آنها، یکی از روش‌های رایج و اثرگذار در شبهه‌افکنی است. دانشمندسازی یا برجسته‌سازی برخی افراد ضعیف و حتی سفیه و تضعیف دانشمندان حقیقی، از مقدمات توسل به این راهبرد است.

امام باقر علیه‌السلام در حدیث مفصّلی می‌فرماید:

در آخرالزمان مردم از برخی علمای سفیه و سطحی‌نگر، تبعیت و تقلید می‌کنند (کلینی،

۱۴۰۷ق: ج ۵، ۵۵).

بنابراین، ظاهرسازی و ریاکاری، تمسک به ظواهر شریعت و عبادات و توسل به لغزش‌های علمی یا عملی علمای حقیقی برای تأیید خویش، از مهم‌ترین راهبردها و عواملی است که زمینه‌ساز تبعیت مردم از این عالم‌نماها می‌شود.

در این روش که در بسیاری از موارد، شبهه‌گران از آن بهره می‌گیرند، نظریه‌ای را که یکی از مسلمانان بیان کرده است، هرچند غالب بزرگان و دانشمندان مسلمان با آن مخالف باشند،

دیدگاه مسلمانان مطرح و آن را نقد می‌کنند تا خوانندگان تصور کنند آنچه نقد شده است، نظریه همه مسلمانان است. دست‌آویز قراردادن برخی نظریات ابن تیمیه یا ابن خلدون، توسط برخی مخالفان و مستشرقان و زیر سؤال بردن اساس اعتقاد به مهدویت، از این قبیل است (بنگرید: العمیدی، ۱۳۷۹ش: ۲۰۶-۲۲۲).

برخی از طرفداران مذاهب غیرشیعه نیز از این روش برای مخدوش کردن مذهب شیعه استفاده می‌کنند؛ آنان برای القای یک شبهه، گاه نظریه یکی از شیعیان را نقل می‌کنند و بدون اشاره به این که این مطلب، نظریه شخصی یک فرد است، آن را به همه شیعیان نسبت می‌دهند تا خوانندگان و شنوندگان تصور کنند مطلب یاد شده، عقیده همه شیعیان است. نمونه مشهور استفاده از این روش، القای شبهه «تحریف‌پذیری قرآن» است که سال‌هاست دستاویز وهابیت قرار گرفته و بسیاری از نویسندگان اهل سنت، آن را به شیعه نسبت می‌دهند. نمونه دیگر، افکار و نظریات عالم‌نمای منحرفی به نام «ابوالفضل برقی» است که دست‌آویز وهابیت قرار گرفته و او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین عالمان و مراجع تقلید شیعه و «علامه» معرفی می‌کنند (بنگرید: منتظری، ۱۳۸۴ش: ۱۲۸). وی شبهات متعددی درباره ولایت تکوینی اهل بیت علیهم‌السلام و مسئله شفاعت و توسل، مطرح کرده است (بنگرید: محلاتی، ۱۳۹۱ش: ۲۴).

بسیاری از انتقادات و شبهات قفاری درباره دیدگاه‌های یک یا چند عالم شیعی است و در صورتی که این نقدها درست باشند - که البته هیچ کدام درست نیستند - آنچه آسیب خواهد دید، دیدگاه همان یک یا چند عالم شیعه است و نه نظام عقیدتی مذهب تشیع. برای نمونه اگر روایتی که مادر امام مهدی علیه‌السلام نوه قیصر روم می‌داند، درست نباشد، دیدگاه کسانی همچون شیخ صدوق که این روایت را پذیرفته‌اند، نقد خواهد شد؛ اما این نقد بر اندیشه‌وران بزرگ دیگری همچون شیخ نعمانی و نویسنده *اثبات الوصیه* که این روایت را نپذیرفته‌اند، وارد نخواهد بود؛ یا اگر در روایتی که بنابر آن، امام مهدی علیه‌السلام جزیه را نمی‌پذیرد، خدشه‌ای باشد، تنها عیاشی که این روایت را نقل کرده، نقد خواهد شد، اما دیگر اندیشه‌وران شیعی از انتقاد به دور خواهند ماند و مکتب تشیع از این نقدها آسیبی نخواهد دید؛ چرا که هرگز این اعتقادات از اجزای نظام عقیدتی مذهب تشیع به شمار نمی‌روند (آیتی، ۱۳۹۳ش: ۳۶).

۵. مغالطه

مغالطه نیز روش قدیمی بیشتر کسانی است که می‌خواهند حق را باطل و باطل را حق جلوه

دهند. از آن جا که مغالطه به برهان شباهت دارد، بسیاری از مردم نمی‌توانند دلیل بطلان و وجه مغالطه را تشخیص دهند و به راحتی گمراه می‌شوند. در موارد متعددی از شبهات مطرح شده توسط مخالفین مانند ناصر قفاری و مدعیان دروغین مانند جریان احمد اسماعیل بصری از این روش استفاده شده است.

ناگفته نماند که برخی از محققان، دایره مغالطه را بسیار گسترده‌تر از آنچه بیان شد دانسته و برای این منظور به معنای لغوی مغالطه استناد کرده‌اند:

منظور از مغالطه در یک تبیین ساده و روان، هر واکنشی است که به سوق دادن مخاطب به طرف اشتباه در تشخیص حق منجر گردد (الجوهری، ۱۳۶۴ ش: ج ۲، ۱۱۴۸).

این واکنش غلط‌انداز، ممکن است برخاسته از ماهیت گفتار و نوشتار باشد (مثل استفاده از الفاظ مشترک) یا این که برخاسته از اموری خارج از گفتار و نوشتار باشد (مثل توسل به استهزاء و عیب‌جویی) که دسته اول را مغالطه ذاتی و دسته دوم را مغالطه عرضی گویند. مصادیق هر یک از اقسام مغالطه، گاه تا صدها نوع نیز شماره شده است. برخی از مهم‌ترین انواع مغالطه در روند شبهه‌سازی و شبهه‌افکنی، به صورت فهرست‌وار عبارتند از:

بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، نقل قول ناقص، تمثیل، توسل به جهل مخاطب، طلب برهان از دیگران به جای پاسخ‌دهی، استفاده از کلمات ارزشی، توسل به معنای لغوی، مغالطه از جهت شکل ادای الفاظ، توسل به واژه‌های مبهم، تغییر موضع، مغالطه اشتراک لفظی، استعاره، تشبیه، تشابه، اطلاق و تقيید، عام و خاص، مغالطه ناشی از عربی یا غیرعربی بودن الفاظ، تحریف به حذف، تحریف به اضافه، تحریف معنوی، اخذ علت ناقصه به جای علت تامه، اخذ ارزش تبعی به جای ارزش ذاتی، اخذ ارزش ابزاری به جای ارزش غایی، اخذ معروض به جای عرض، اخذ لازم به جای ملزوم، اخذ بالفعل به جای بالقوه و بالعکس، اخذ مقارن شیئی به جای خود شیء، عدم توجه به حیثیت‌ها (جنبه‌های مختلف یک چیز)، مصادره به مطلوب، علت دانستن آنچه علت نیست و... از بارزترین مغالطه‌های ذاتی است. توهین، تکرار، توسل به اصطلاحات، توسل به قدرت، تعبیرهای ناروا، ایجاد بحث انحرافی، تکذیب مخاطب، تظاهر به حقیقت‌طلبی، جلب عواطف، عناوین اجتماعی، توسل به شعر و داستان و قصه، طولانی کردن کلام، خلاصه‌جویی، خشونت در بحث، عیب‌جویی، استهزاء، استفاده از جمله‌هایی مثل این امر محتاج به استدلال نیست، مشهور است، هر بچه دبستانی هم می‌داند، براساس یافته‌های علوم جدید، براساس دستاوردهای کشورهای متری و... از جمله

مغالطه‌های عرضی مورد استفاده در شبهه‌سازی است. البته بسیاری از این مغالطه‌ها صرفاً نوشتاری نیست؛ بلکه به صورت بسیار گسترده‌ای در قالب‌های مختلف شبهه‌افکنی، مثل فیلم، نقاشی، کاریکاتور و... نیز بهره گرفته می‌شود (کدخدایی، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۵).
توضیح برخی از موارد ذکر شده همراه با مثال‌های مهدوی آن در ادامه خواهد آمد.

۶. تحریف

تحریف‌گری از مهم‌ترین روش‌های القای شبهات است و در این باره اهل کتاب، ید طولایی دارند. آنان به راحتی حقایق مسلم را تحریف می‌کنند و پس از تحریف حقایق و آمیختن حق با باطل، می‌کوشند آنچه را خودشان می‌خواهند به جامعه القا کنند. خدای متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۴۲)؛

و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با این که می‌دانید کتمان نکنید.

ابوهریره و کعب الاحبار از نمونه‌های شاخص و مشهور تحریف‌گران روایات مهدویت هستند که اسرائیلیات فراوانی را در موضوع مهدویت، جعل و به منابع حدیثی وارد کرده‌اند (معارف و صادقی: ۱۳۹۴: ۳۹-۷۰). کتاب *الفتن ابن حمّاد*، منبع خوبی برای مطالعه و بررسی این گونه روایات است. در سال‌های اخیر نیز صهیونیست جهانی با استفاده از ابزار مختلف رسانه‌ای، تلاش فراوانی در تحریف و تخریب عقیده مهدویت داشته است.

نسبت به روایات شیعه نیز، تحریفات فراوانی در آثار وهابیان و مدعیان دروغین مهدویت، صورت گرفته است. به عنوان نمونه در یکی از کتاب‌های فرقه مدّعی یمانی، روایتی را از کتاب *بشارة المصطفی طبری* از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن روایت چنین است: همانا غیبت حق است و در هفتمین نفر از فرزندان من واقع می‌شود.

سپس نسل امام صادق علیه السلام را شمرده و می‌گوید:

چه کسی نفر هفتم است، غیر از فردی که شما را دعوت کرده و بر شما به وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله احتجاج می‌کند؟ و او سید احمد الحسن است و او هفتمین نفر از فرزندان امام صادق علیه السلام است (ابورغیف: ۱۴۳۴: ۳۱-۳۲).

نویسنده در این جا تحریف آشکاری مرتکب شده و کلمه «سادس» را به «سابع» تغییر داده تا روایت از امام زمان علیه السلام منصرف و بر هوس‌های شیطانی او منطبق گردد. اصل روایت - که گفت‌وگویی بین سید حمیری و امام صادق علیه السلام است - چنین است:

همانا غیبت حق است و بر ششمین فرزند من واقع می‌شود و او دوازدهمین امام از ائمه هدایت پس از رسول خداست، اول آنها امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها

قائم به حق است، بقیة الله در زمین و صاحب الزمان... (طبری، ۱۴۲۰ق: ۴۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۳ و ۳۴۲).

البته تحریف، گاهی لفظی و گاهی معنوی است و فرقه‌های انحرافی مهدویت از جمله احمد اسماعیل بصری، برای اثبات ادّعی خود، به تغییر معنا در روایات نیز روی آورده و حتی اخباری را که به آنها ارتباط ندارد و یا درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است، به خود نسبت می‌دهند (شهبازیان، ۱۳۹۷ش: ۵۸-۶۹). یکی از نویسندگان، ۵۵ مورد از تحریفات لفظی و ۳۰ مورد از تحریفات معنوی احمد اسماعیل بصری را برشمرده و تبیین نموده است (سلیمان پور، ۱۳۹۶ش: فصل اول و دوم).

از جمله تحریفات معنوی احمد اسماعیل، در پاسخ به معنای آیه **﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾** (بقره: ۱۴۳) است که می‌گوید:

آنها امت محمدی حقیقی هستند. آنها ۳۱۳ نفرند. «وسط»، صراط مستقیم و مهدی اول است، زیرا وسط بین ائمه و مهدیین واقع شده است؛ پس «امت وسط» پیروان مهدی اول و یاران امام مهدی هستند و آنها بهترین امتی هستند که به سوی مردم آماده‌اند و بهترین امامان هستند (المتشابهات، ۱۴۳۱ق: الجزء الرابع، ۷۳).

ادّعی باطل احمد اسماعیل در حالی است که در روایات متواتر، تأکید و تصریح شده که «خیر أمة أخرجت للناس» و «أمة وسط»، ائمه علیهم السلام هستند. به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند:

ما امت وسط، شاهدان خدا بر خلقش و حجت‌های او در زمینش هستیم (صفار، ۱۴۰۴ق: ۸۳، ح ۱۱).

نظیر همین روایت را کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۹۰، ح ۲).

همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند:

ما کسانی هستیم که خدا در آیه **﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...﴾** قصد کرده است. در هر زمان، امامی از ما شاهد بر اهل زمان خود است (سلیم بن قیس، ۱۴۲۲ق: ۴۰۷، ح ۵۴).

مدعی یمانی همچون «دابة من الارض»، «النبأ العظيم»، «شجرة زيتونه»، «اللؤلؤ و المرجان»، «الصلاة الوسطی»، «انه لقرآن الکریم»، «لا یمسه الا المطهرون» و «اصحاب الیمین»

در قرآن کریم را بر خود و اصحابش تطبیق نموده و بدین وسیله در تحریف معنوی آیات و روایات، گوی سبقت را از دیگران ربوده است (بنگرید: سلمان پور، ۱۳۹۶ش: فصل دوم).

۷. نقل ناقص و یا تقطیع شده مستندات

یکی از روش‌های رایج در شبهه‌سازی پیرامون مباحث مهدویت و گونه‌ای از مستندسازی‌های دروغین در این عرصه، تقطیع روایات و یا سخنان عالمان و بزرگان شیعه است؛ به گونه‌ای که خواننده و یا شنونده، معنای دیگری، غیر از آنچه که مقصود گوینده سخن بوده و آن معنایی که مورد نظر شبهه‌گر هست را برداشت کند. اغلب شبهه‌گران وهابی و همچنین فرقه‌های انحرافی مدعی مهدویت، از بهائیت گرفته تا احمد اسماعیل بصری، برای اثبات ادعاهای خود، از این روش، بسیار بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، احمد اسماعیل بصری برای اثبات ادعای خود، روایت امام صادق علیه السلام در مورد اسامی یاران قائم علیه السلام را تقطیع کرده و می‌نویسد:

امام صادق علیه السلام اسامی یاران قائم را برشمرده و فرموده‌اند: ... و از بصره ... احمد است ... در حالی که در آن روایت طولانی آمده است:
من البصره: عبدالرحمن بن الاعطف بن سعد و أحمد بن ملیح و حماد بن جابر (طبری، ۱۴۱۳ق: ۵۷۴).

چنان‌که ملاحظه می‌شود احمد بصری برای این که روایت را با ادعای خود تطبیق دهد، از این قسمت، تنها نام احمد را انتخاب کرده، بدون این که آن را به صورت کامل نقل نماید (احمد بن ملیح) و بدون آن که نام دو نفر دیگر را ذکر کند (آیتی، ۱۳۹۶ش: ۱۳۴-۱۳۸؛ شهبازیان، ۱۳۹۷ش: ۴۳-۵۸).^۱

نمونه دیگر، تقطیع گفتار شیخ حرّ عاملی در *وسائل الشیعه* توسط عثمان الخمیس است. او در کتابی که در ردّ عقیده مهدویت نوشته، مدعی شده که شیخ حرّ عاملی گفته است که احادیث شیعه ضعیف است (عثمان الخمیس، ۱۴۲۹ق: ۸۹). در حالی که شیخ حرّ عاملی در عنوان فائده نهم *وسائل الشیعه* می‌نویسد:

فی ذکر الأدلّة علی صحّة احادیث الکتب المعتمده، تفصیلاً (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۲۴۹).

۱. نمونه‌ای دیگر از تقطیع آشکار و تحریف روایت توسط احمد اسماعیل بصری را بنگرید: (سلمان پور، رسول ابلیس، ۱۲۱-۱۲۴).

سپس با آوردن ۲۲ دلیل، صحت روایات کتاب *وسائل الشیعه* را ثابت می‌کند. ایشان در دلیل چهاردهم می‌نویسد:

اگر روایاتی که در این کتاب‌ها (منابع وسائل الشیعه) آمده، صحیح نباشد، لازمه‌اش ضعیف بودن اکثر احادیثی است که ما می‌دانیم این احادیث از کتب اصول (چهارصدگانه اولیه) است که اجماع بر آنها هست... بلکه مستلزم ضعف همه احادیث است (همان: ۲۵۹).

عثمان الخمیس با جدا کردن یک جمله از کلام صاحب وسائل: «لازمه‌اش این است که همه روایات ما ضعیف باشند»، آن را دلیلی بر ضعف روایات شیعه گرفته است.

۸. جعل حدیث و استناد به روایات جعلی

از دیگر شیوه‌های القاء شبهه در مباحث مهدویت، جعل کردن روایت و یا استفاده از روایات جعلی است. این شگرد، در طول تاریخ اسلام تاکنون، بسیار مورد استفاده خلفای جور، وهابیان و مخالفان عقیده مهدویت و یا مدعیان دروغین و فرقه‌های انحرافی بوده است (بنگرید: سلیمیان، ۱۳۹۹ش: ۹۱-۱۰۵). برای مثال، در آستانه سقوط پادشاهی بنی‌امیه، فرزندان علی بن عبدالله بن عباس و دعوتگران آنان برای همراه کردن مردم با خود، از عنوان مهدی، نهایت بهره‌برداری را نمودند و مبارزه او با ظلم و ستم را بر خود تطبیق کردند و احادیثی نیز به نفع خود ساختند. آنان روایتی از ابن عباس نقل کردند که مهدی و منصور و سفاح از ما هستند و همو گفته است که حسن و حسین گمان می‌کنند مهدی از نسل آنهاست (عرفان، ۱۳۹۲ش: ۱۱۴؛ به نقل از بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ۶۳). هنگامی که مردم با سفاح بیعت کردند عمویش داود بن علی بر منبر گفت:

خلافت در دست ماست تا آن را به عیسی بن مریم علیه السلام تسلیم کنیم.

و آن گاه که عمر سفاح، رو به پایان بود و از فتح آفریقا خبردار شد، گفت:

شنیده‌ام که وقتی آفریقا گشوده شود قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد مرد! (همان: ج ۴، ۲۳۷).

نمونه دیگر آن که، داعیان اسماعیلیه برای گسترش هرچه بیشتر ادعای مهدویت «عبیدالله المهدی» در آفریقا، براساس بعضی روایات منسوب به اهل بیت علیهم السلام که ظهور مهدی از مغرب خواهد بود، روایاتی جعل کردند که در آن پیش‌بینی شده بود که زمان ظهور، در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا است.

مبلغان اسماعیلی برای جلب اقوام بربر و بادیه‌نشین به طرف مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق این احادیث، مهدی موعود، از بین اقوام شیعه‌نشین ظهور خواهد کرد. بیشتر

این احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دوردست کشورها و کناره‌های سرزمین‌های آباد مانند «زاب» در آفریقه و «سوس» در مغرب تعیین می‌کرد(ابن خلدون، بی تا: ج ۱، ۳۲۸).
 احمد اسماعیل بصری نیز از قافله مدعیان جا نمانده و در دعوت خود، به برخی روایت‌های نشانه ظهور استناد کرده است که هیچ جایگاه علمی ندارند(نمونه‌های آن را بنگرید: شهبازیان، ۱۳۹۷ش: ۳۳-۴۳).

۹. استناد به نقل‌های شاذ

از دیگر شیوه‌های ایجاد شبهه در مباحث مهدویت، استناد به نقل‌های شاذ و بی‌توجهی به خانواده حدیثی یک روایت است. یکی از ضرورت‌های فهم صحیح یک روایت، تشکیل خانواده حدیث و توجه به روایات هم‌مضمون است. فرقه‌های انحرافی از جمله مدعی یمانی، برای فریب افکار عمومی، تنها به یک روایت که مضمونی شاذ دارد، آن هم روایتی از یک منبع نه چندان مهم استناد می‌کنند. در صورتی که اگر صداقت را رعایت می‌کردند و مجموعه روایات را نقل می‌کردند، با توجه به روایات متعدد و صریحی که در منابع معتبر وجود دارد، مقصود روایت مورد نظر آنها نیز روشن و ادعای شان باطل می‌شد.
 به عنوان نمونه، در کتاب *کفایة الاثر حدیثی* از قول پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

ای علی، تو از منی و من از تو هستم و تو برادر و وزیر من هستی و هنگامی که من بمیرم کینه‌های نهفته در سینه‌های مردم برای تو آشکار شود و به زودی پس از من فتنه گنگ و تاریک بیاید که در آن هر دوست صمیمی و نزدیکی از بین برود و این آن گاه هست که شیعیان تو پنجمین فرزند از نسل هفتمین امام را نیابند و برای فقدان اهل زمین و آسمان محزون شوند(خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۱۵۸).

طرفداران احمد اسماعیل در توضیح این روایت چنین نوشته‌اند:

امام رضا علیه السلام هفتمین فرزند پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام است و چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام امام مهدی علیه السلام است. پس پنجمین از هفتمین فرزند، یعنی مهدی که همان یمانی(احمد اسماعیل) است(ادله جامع یمانی: ۴۶).

در حالی که روایات متعددی وجود دارد که پنجمین فرزند از نسل هفتمین امام، همان امام قائم و مهدی موعود علیه السلام است. مانند روایتی که علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده(کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۳۶) و روایتی که عبدالله بن ابی یعفر و صفوان بن مهران، هر دو از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند(صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۳۳ و ۳۳۸). در روایت

صریح‌تر آمده است که ابی بصیر از امام صادق علیه السلام می‌پرسد که قائم شما اهل بیت کیست؟ امام فرمودند: ای ابوبصیر، او پنجمین از فرزندان پسر موسی است (همان: ۳۴۵).

شایان ذکر است، این ادعا که روایت نقل شده از خزاز قمی در صدد اشاره به امام پس از امام مهدی است با ذیل روایت همخوان نیست چرا که در پایان آن روایت آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: ای رسول خدا! بعد از من چند امام خواهد آمد؟ فرمودند: بعد از حسین نُه امام می‌آید و نهمین آنها، قائم آنهاست (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۱۵۹؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید: آیتی، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۳۶).

۱۰. استناد به نسخه بدل‌های ثابت نشده

دیگر از شیوه‌های فریب کارانه شبهه‌گران، از جمله احمد اسماعیل بصری این است که برای اثبات ادعای بزرگ خود - که به دلیل بزرگ بودن آن نیازمند دلایل قطعی و تشکیک‌ناپذیر است - به روایاتی استناد می‌کند که در نسخه‌های گوناگون به صورت‌های متفاوتی نقل شده است. این شیوه استدلال هم از این جهت باطل است که با وجود نقل‌های متفاوت، روایت، قابلیت استدلال نخواهد داشت و هم خود دلیلی بر فریب کارانه بودن این نوع استدلال است؛ زیرا با وجود نقل‌های متفاوت، اکتفا به ذکر نقلی که بر مدعا دلالت دارد و سرپوش گذاشتن بر نقل دیگر، به نوعی فریب مخاطب عمومی است که از حقیقت ماجرا آگاهی ندارد.

به عنوان نمونه، احمد اسماعیل بصری در پاسخ به سؤالی در کتاب *الجواب المنیر*، به روایتی از امام علی علیه السلام از نسخه‌ای استناد کرده که در آن آمده است: «فی مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی» و بر این اساس مدعی شده که یازدهمین فرزند امام علی علیه السلام، امام مهدی علیه السلام است و مولود او همان مهدی اول و فرستاده امام مهدی علیه السلام یعنی احمد الحسن یمانی است (احمد الحسن، ۱۴۳۱: ج ۱، ۵۶). در حالی که این روایت در برخی از نسخه‌های کافی و نیز در *کمال‌الدین، الغیبه نعمانی، کفایة الاثر، اعلام‌الوری و بحارالانوار*؛ «فی مولود یكون من ظهری الحادی عشر من ولدی» است. ترجمه حدیث طبق این نقل چنین است:

... من درباره مولودی که از پشت من است فکر می‌کردم که او یازدهمین فرزند من است.

براساس این نقل مشهور و صحیح، مقصود امام علی علیه السلام، امام مهدی علیه السلام است نه فرزند آن

حضرت، چرا که یازدهمین فرزند ایشان، امام زمان علیه السلام است.^۱

۱۱. استناد به منابع حدیثی متأخر و کم اعتبار

شبهه گران مهدویت در موارد متعددی، به روایاتی استناد می کنند که در منابع دست اول حدیثی شیعه نیامده بلکه منبع آنها کتاب هایی است که در سده های اخیر با موضوع مهدویت نگاشته شده و خطاهای متعددی در آنها وجود دارد که از اعتبار آنها می کاهد. به عنوان مثال، احمد اسماعیل بصری درباره ویژگی های مهدی اول، یعنی خودش، به روایتی از کتاب بشاره الاسلام استناد کرده که در آن روایت آمده است:

... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... ثم ذكر شأبا فقال: اذا رأيتموه فبايعوه فإنه خليفة المهدي (احمد

الحسن، ۱۴۳۱ق: ج ۴، ۴۴).

براساس این نقل، مهدی مورد نظر، جوان و خلیفه امام مهدی علیه السلام است!

این در حالی است که اولاً کتاب *بشاره الاسلام*، یک منبع متأخر است که صرفاً روایات را از کتاب های مختلف شیعه و سنی جمع آوری کرده و نگارش آن در سال ۱۳۳۲ هجری قمری پایان یافته است. ثانیاً در برخی از نسخه های کتاب، این روایت چنین نقل شده:

عقد الدرر عن ثوبان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... ثم ذكر شيئا فقال: اذا رأيتموه فبايعوه فإنه

خليفة الله المهدي....

چنان که ملاحظه می شود در نقل مدعی یمانی، به جای «شیئا»، واژه «شأبا» و به جای «خليفة الله المهدي»، عبارت «خليفة المهدي» آمده است. ثالثاً کتاب *بشاره الاسلام*، این حدیث را از *عقد الدرر* و آن نیز از *مستدرک حاکم*، که هر دو از منابع دست دوم اهل سنت هستند، نقل کرده که در آن دو منبع نیز واژه «شیئا» و عبارت «فإنه خليفة الله المهدي» آمده است (کریمی، ۱۳۹۸ش: ۳۴۶-۳۴۸).

نمونه های دیگر آن، روایات شاذ و بی سندی است که طرفداران احمد اسماعیل از کتاب های *بیان الاثمه*، *مأتان و خمسون علامة* و کتاب های ابوالحسن مرنندی نقل می کنند (بنگرید: شهبازیان، ۱۳۹۷ش: ۳۴-۴۳).

۱. برای آگاهی از نمونه های بیشتر، ک: آیتی، از تبار دجال، ۱۳۷-۱۴۶؛ کریمی، توهم ارشاد، ۳۳۴-۳۳۸ و ۳۴۶-۳۴۸.

۱۲. استنادهای غیرواقعی

از شگردهایی که شبهه‌گران و مدّعیان دروغین مهدویت، بسیار از آن بهره می‌گیرند؛ استنادهای دروغ به برخی از منابع و کتاب‌های مهم است. به عنوان نمونه؛ بهائیان در جزوات‌شان، حدیثی را از قول ابن عربی در کتاب *فتوحات مکیه* به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت می‌دهند که فرموده‌اند:

در سال ۱۲۶۰ (یعنی سال ظهور باب)، شجره هدایت الهی در زمین کاشته خواهد شد (جزوه رفع شبهات: ۱۵؛ به نقل از اسحاقیان، ۱۳۹۵: ش: ۱۷۲-۱۷۶).

در حالی که چنین مطلبی در این کتاب وجود نداشته و البته اگر هم موجود بود؛ این کتاب، از منابع حدیثی و کتاب‌های درجه اول شیعه، به شمار نمی‌آید تا بتوان به آن استناد نمود (اسحاقیان، ۱۳۹۵: ش: ۱۷۲-۱۷۶).

۱۳. تأویل بدون دلیل

یکی دیگر از روش‌های ایجاد شبهه در مباحث مهدویت، که توسط شبهه‌گران و مدّعیان دروغین مهدویت، به کار گرفته می‌شود، این است که آنها برای رسیدن به مقاصد خود و فریب مردم، بسیاری از آیات و روایات، به ویژه آیات و روایاتی که مخالف دعوت‌شان باشد را بدون دلیل معتبر، بر معانی دیگری به نفع خودشان و آن‌طور که می‌خواهند تأویل می‌کنند. به عنوان مثال، هنگامی که به غلام احمد قادیانی از مدّعیان دروغین مهدویت، گفته شد که طبق روایات متواتر؛ امام مهدی علیه السلام، از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، در پاسخ گفت:

کسانی که تفکرشان مادی است، مهدی موعود را به ذُرّیه و فرزندان حسن یا حسین و یا عباس نسبت می‌دهند و حال آن‌که مقصود پیامبر از این روایات، این بوده است که مهدی موعود، مانند فرزندان او است؛ نام او و اخلاق او و علم و معنویت او (پیامبر) را به ارث برده است... (آل محسن، ۱۴۳۴: ۳۲۸؛ به نقل از: ازالة خطأ، ۱۳).

نمونه‌های دیگر آن در سال‌های اخیر، تأویل‌های فراوان فرقه منحرف احمد اسماعیل بصری است. به عنوان مثال، سلاح و پرچم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از جمله مواردی است که در روایات، از نشانه‌های حقانیت مهدی موعود علیه السلام برشمرده شده، توسط مدّعی ایمانی به علم و شعار «البيعة لله» تأویل شده است (حیدری و فلاح، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۵).^۱

۱. همچنین برای آگاهی بیشتر بنگرید: علی محمدی هوشیار، روشن‌تر از خورشید، ۱۷-۳۱؛ محمدعلی فلاح، «تأویل‌گرایی در انحرافات مهدویت» و مقاله نگارنده با عنوان: «نقش ودایع امامت در مقابله با چالش مدّعیان

احمد اسماعیل مدعی است که سلاح رسول خدا ﷺ در نزد اوست، اما نظر به این که هرگز قادر به اثبات ادّعی خود نیست، پیروانش به تأویل و تحریفی مضحک دست زده و معنای سلاح را تغییر داده‌اند. ناظم العقیلی می‌نویسد:

سلاح رسول خدا ﷺ با اوست و این سلاح، قرآن کریم است، معجزه جاودان پیامبر(العقیلی، ۱۴۳۳ق: ۱۳۲).

حیدر الزیادی گفته است:

اما سلاح رسول خدا ﷺ قرآن است، یعنی علم به آن و شناخت آن (الزیادی، بی‌تا: ۱۳۸). سخنان این اشخاص در حالی است که به صراحت در روایات وارده شده است که سلاح چیزی غیر از علم است و آن همان شمشیر رسول خدا ﷺ است که در دو طرفش علامتی خاص داشته است.

حمران می‌گوید:

نزد امام باقر علیه السلام صحبت از کیسانیه و آنچه درباره محمد حنفیه می‌گویند، نمودم. فرمودند: مگر نمی‌گویند امامت نزد کسی است که سلاح رسول خدا ﷺ نزدش باشد؟ علامت شمشیر پیامبر در دو سویش چه بود اگر راست می‌گویند؟ (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸، ح ۱۱)

همچنین امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند: پدر بزرگوارشان هنگام شهادت، محتویات صندوق خود را به ایشان واگذار کردند. آن‌گاه که امام از دنیا رفت برادرانش آمدند و گفتند: سهم ما را از صندوق بده. حضرت فرمودند: به خدا سوگند شما در آن سهمی ندارید و اگر داشتید آن را به من نمی‌داد و در صندوق، سلاح پیامبر و کتب او بود (همان: ۲۰۰، ح ۱۸).

این روایات نشان می‌دهد که سلاح و علم، دو چیز متغایر هستند (برای آگاهی بیشتر بنگرید: آیتی، ۱۳۹۴ش: گفتار سوم).

۱۴. ادّعی بدون دلیل

یکی از روش‌های شبهه در عقیده مهدویت، بیان ادّعاهای بدون دلیل است. غالب کتاب‌ها و آثار دشمنان شیعه و مدّعیان دروغین مهدویت مانند ناصر قفاری، عثمان الخمیس، احمد کاتب، احمد اسماعیل بصری و... مملوّ از ادّعاهای واهی و بدون سند و دلیل است. به عنوان مثال؛ احمد کاتب ادّعی می‌کند که احادیث دوازده امام را در گذر زمان جعل کرده‌اند، اما دریغ از

یک سند برای این ادّعا (جعفری، ۱۳۹۴ ش: ۲۸۸-۳۱۵) و یا در جای دیگر می‌گوید؛ عموم شیعیان در کتاب سلیم شک داشته‌اند، اما دلیلی برای اثبات این عمومیت، ذکر نمی‌کند (همان: ۳۲۱-۳۲۸).

۱۵. خلط مباحث

خلط مباحث برای اثبات نظر خود، از دیگر شگردهای شبهه‌گران در زمینه مباحث مهدویت است. به عنوان مثال؛ احمد کاتب از شبهه‌گران مهدویت، امتداد امامت تا قیامت را با آمدن پی در پی امامان علیهم‌السلام یکی پنداشته، در حالی که این دو بحث از هم جدایند (همان: ۱۴۷). همچنین او روایات شمار امامان را با روایات نام و اوصاف امامان، خلط کرده که باعث شده، حیرت مردم را دلیل بر نبود روایات، بر شمار امامان بپندارد، در حالی که این دو از هم جداست و شاید کسی تعداد را بداند، اما مشخصات را نداند (همان: ۱۵۵).

۱۶. تحریف سخنان دانشمندان شیعه

از دیگر شیوه‌های رایج در بین شبهه‌گران، برای تشکیک در مباحث مهدویت، تحریف سخنان عالمان و دانشمندان بزرگ شیعه و دادن نسبت‌های دروغ به آنان است. به عنوان مثال، نوبختی در کتاب *فرق الشیعه* به امتداد امامت در نسل امام عسکری علیه‌السلام تصریح کرده؛ اما احمد کاتب آن را به نسل امام دوازدهم تحریف کرده است (همان: ۱۴۸). او همچنین مدّعی شده که کلینی و نعمانی و صدوق، در اعتقاد به امام دوازدهم به کتاب سلیم اعتماد کرده‌اند، در حالی که این بزرگان، کمتر از ده درصد روایات را از سلیم نقل کرده‌اند و بیش از نود درصد روایات در اثبات وجود امام مهدی علیه‌السلام را از غیر این کتاب نقل کرده‌اند (همان: ۳۱۷).

۱۷. استناد به روایات اهل سنت

از شگردهای دیگر برخی شبهه‌گران و یا مدّعیان دروغین مهدویت، استناد به روایات اهل سنت است. آنها برای فریب افرادی که اطلاع کافی از کتب حدیثی ندارند، روایات مورد نظرشان را به منابع حدیثی شیعه مستند ساخته و به مخاطب چنین القاء می‌کنند که این روایات از منابع شیعی است، در حالی که وقتی به آن منابع رجوع می‌کنیم، می‌بینیم که این روایات، در این کتاب‌ها از منابع اهل سنت نقل شده و در بسیاری از موارد، نویسنده شیعی در مقام تأیید هم نبوده و صرفاً قصد جمع‌آوری روایات را داشته و یا حتی در برخی موارد، نویسنده شیعی در مقام نقد روایت سنی بوده است. کتاب‌هایی مانند *الملاحم والفتن* سیدبن طاووس و

کشف الغمه اربلی از این قبیل هستند. طرفداران احمد اسماعیل بصری در موارد فراوانی از این ترفند استفاده و حتی ادعای تواتر خبر واحد سنی را در احادیث شیعه کرده‌اند. در حالی که، روایات اهل سنت از نظر شیعه و مدعی یمانی که خود را شیعه می‌داند فاقد حجیت است. نمونه آنها روایاتی است که فرقه یمانی در بحث پرچم‌های سیاه به آنها استناد می‌کنند (آیتی، ۱۳۹۴ش: ۱۴۶-۱۵۳).

مثال دیگر، استناد قفاری وهابی برای اثبات استبعاد طولانی بودن عمر امام مهدی علیه السلام به روایات اهل سنت است، حال آن که استناد به منابع و روایات اهل سنت در مقام استدلال بر علیه شیعه، پشتوانه منطقی ندارد زیرا شیعیان برای روایات اهل سنت، حجیت قائل نیستند (بنگرید: آیتی، ۱۳۹۳ش: ۲۹۱).

۱۸. تطبیق روایات مهدویت و علائم ظهور

یکی از روش‌های ایجاد شبهه در مباحث مهدویت، تطبیق روایات مهدویت و به ویژه روایات علائم ظهور، توسط برخی از مدعیان دروغین، بر حوادث و شخصیت‌های مورد نظر آنهاست. به عنوان مثال احمد اسماعیل مدعی یمانی، نام احمد در حدیث موسوم به وصیت در کتاب الغیبه شیخ طوسی را بر خودش تطبیق داده و بر همین اساس، خود را فرزند امام مهدی و وصی آن حضرت دانسته است. در حدیث مذکور تعداد اوصیای پیامبر اکرم، ۲۴ نفر معرفی شده‌اند، در حالی که این حدیث از اشکالات سندی و دلالتی متعددی برخوردار بوده و مضمون و محتوای آن با تمامی روایاتی که عدد اوصیا را ۱۲ نفر دانسته‌اند، تعارض جدی دارد (ر.ک: محمدی هوشیار، ۱۳۹۵ش: ۴۸-۸۶). البته احمد اسماعیل، اولین کسی نیست که این روایت را بر خود تطبیق کرده است (بنگرید: شهبازیان، ۱۳۹۳ش: ۱۱۲-۱۸۳).

احمد اسماعیل همچنین، لفظ «الامام المجهول» در روایت کتاب غیبت نعمانی (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۸۴، ح ۵۵) را بر خود تطبیق داده و می‌نویسد:

امام مهدی محمد بن الحسن به طور مسلم برای کسانی که ادعای پیروی از ایشان را دارند، مجهول نیست، همچنین برای مخالفان ایشان. پس منظور از امام مجهول، مهدی اول از فرزندان ایشان است (الجواب المنیر، الجزء الرابع، ۱۴).

و حال آن که ادعای این که همه افراد و حتی مخالفان، امام عصر را می‌شناسند، نادرست بوده و از قضا، جهل داشتن نسبت به ائمه علیهم السلام، بارها در روایات آمده است (بنگرید: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۴۳، ح ۳ و ۱۸۶، ح ۳) و در زیارت‌های جامعه صغیره و کبیره می‌خوانیم: «و من جهلهم فقد جهل الله» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۵۷۹) و «خاب من جهلهم» (کفعمی، ۱۴۱۸ق:

۳۰۰). همچنین در زیارات و ادعیه معتبر مانند فقرات پایانی زیارت جامعه کبیره، معرفت اهل بیت علیهم‌السلام را از خداوند متعال طلب می‌کنیم (همان).

نمونه آشکار دیگر، تطبیق‌های فراوانی است که در فیلم مستند «ظهور بسیار نزدیک است» انجام گرفته است، مانند تطبیق شخصیت شعیب بن صالح که در روایات، به عنوان علائم ظهور بیان شده بر افراد مختلف^۱.

در حالی که تطبیق، دلیل کافی و قطعی لازم دارد و چنین دلایلی در این تطبیق‌ها وجود ندارد و معمولاً افراط در تطبیق علائم ظهور بر وقایع، باعث ایجاد امید کاذب یا ناامیدی و شک در مردم می‌شود (بنگرید: جعفری، ۱۳۸۴ ش: ۴۵-۷۴).

۱۹. ترور شخصیت

یکی دیگر از شیوه‌های غیراخلاقی و خلاف اصول، بد نام کردن یک شخص، با هدف بی‌اعتبار نمودن او نزد مردم جامعه است. برای این منظور به چند شیوه، مطالب را دگرگون و در جامعه ترویج می‌کنند که مهم‌ترین آنها به قرار زیر می‌باشند:

۱. عمده نمودن بخشی از مطالب اظهار شده جهت ایجاد سوء تفاهم؛

۲. اطلاع رسانی ناقص یا جا به جا کردن کلمات برای ایجاد سوء تفاهم؛

۳. انتخاب نابه‌جای بخشی از مطالب که ارتباط و تأثیر مطالب را مخدوش می‌کند.

شبهه‌گران عرصه مهدویت نیز برای ترور شخصیت امام زمان علیه‌السلام و دور ساختن مردم و جوانان از آن حضرت، در مواردی از این حربه استفاده می‌کنند. آنان با برخورد گزینشی نسبت به روایات مهدویت، گاهی یک روایت یا قسمتی از یک روایت را، برجسته‌سازی کرده و شبهاتی را مطرح می‌کنند که برای نمونه می‌توان به ترساندن مردم از خشونت و جنگ و خونریزی‌های زیاد امام زمان علیه‌السلام در هنگام ظهور، اشاره نمود که می‌کوشند با استفاده از منابع و روایات ضعیف و یا جعلی و عدم توجه به مجموعه روایات، شبهه یاد شده را القاء و از امام مهدی علیه‌السلام شیعیان، چهره‌ای خشن و بی‌رحم ارائه دهند. ناصر قفاری از این روش بهره برده است (آیتی، ۱۳۹۳ ش:

۱. از ابتدای انقلاب اسلامی ایران تاکنون، افراد زیادی از سوی گروه‌های تطبیق‌گرا به عنوان شعیب بن صالح معرفی شده‌اند؛ چنان‌که در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی از ایشان به عنوان شعیب بن صالح یاد کردند، پس از پایان دوران ریاست جمهوری وی، همین گروه‌ها، سردار رحیم صفوی را که فرماندهی سپاه را برعهده داشت به این عنوان معرفی نمودند، پس از وی، سردار علی شمخانی را به دلیل این‌که اولاً نام پدر وی صالح بوده و ثانیاً در محل زندگی، ایشان را به عنوان شعیب صدا می‌زدند، وی را به عنوان شعیب بن صالح معرفی کردند، پس از وی نیز این گروه از دکتر احمدی‌نژاد به عنوان شعیب بن صالح یاد کردند.

(۳۷)؛ در فیلم‌های هالیوودی، مانند فیلم پیشگوئی‌های نوستراداموس، همین چهره خشن از مهدی موعود علیه السلام به نمایش گذاشته شده و ایشان را به عنوان پادشاه وحشت، معرفی می‌کنند، در حالی که با مراجعه به روایات معتبر و متعدد، روشن می‌شود که روایات شیعه با تعبیری همچون «رحمة للعالمین» (صدوق، ۱۴۰۵: ق: ۳۱۰) یا «أشبهُ الناس برسول الله خُلُقاً و خُلُقاً» (همان: ۴۰۹)، آن حضرت را مایه رحمت برای همه انسان‌ها، بلکه برای همه هستی، و خلق و خوی آن حضرت را شبیه خلق و خوی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله معرفی کرده‌اند.

۲۰. برجسته‌سازی برخی آموزه‌های فرعی مهدویت برای زیر سؤال بردن آموزه‌های اصلی

در این روش که به صورت فراوان از سوی مخالفان عقیده مهدویت و در راستای شبهه‌افکنی به قصد تخریب این عقیده به کار گرفته می‌شود، برخی از مسائل جزئی و حاشیه‌ای مهدویت که شاید مستندات قوی هم نداشته باشد، برجسته‌سازی شده و به دنبال آن، اصل عقیده مهدویت را زیر سؤال می‌برند. به عنوان مثال، ناصر قفاری وهابی، مسئله تخریب خانه کعبه و مسجدالحرام توسط امام مهدی علیه السلام و یا انتقام حضرت مهدی علیه السلام از قاتلین حضرت زهرا علیها السلام در هنگام ظهور را برجسته کرده و به دنبال آن، عقیده مهدویت شیعه را مورد هجمه قرار می‌دهد (بنگرید: آیتی، ۱۳۹۳: ش: ۳۴۵-۳۵۲؛ شبهه ۵۰ به نقل از: ناصر القفاری، *اصول مذهب الشیعه*: ۱۰۶۴).

نمونه‌های دیگر، باور به این‌که مادر امام مهدی علیه السلام نوه قیصر روم بوده یا نه، این‌که حضرت حکیمه آثار بارداری را در حضرت نرجس مشاهده کرده یا نه، این‌که حضرت نرجس از بارداری خود آگاه بوده یا نه، این‌که نام ایشان سوسن بوده یا چیز دیگر، این‌که امام مهدی علیه السلام پس از تولد «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بر زبان جاری کرده یا ذکر دیگر، این‌که رشد آن حضرت طبیعی بوده یا غیرطبیعی و ده‌ها نمونه از این دست، چیزهایی هستند که نه ثابت شدن شان اهمیتی چندان دارد و نه بطلان شان چیزی را برهم می‌زند؛ در حالی که بسیاری از شبهات و نقدهای قفاری درباره همین مسائل حاشیه‌ای است و او کوشیده با تکثیر این نوع از اشکالات، اساس اعتقاد به وجود امام مهدی علیه السلام را در نظر خواننده سست جلوه دهد (بنگرید: آیتی، ۱۳۹۳: ش).

۲۱. تمسک به آسیب‌های مهدویت برای زیر سؤال بردن این اعتقاد

از روش‌های به کار گرفته شده از سوی مخالفان، برای تخریب عقیده مهدویت،

برجسته‌سازی برخی انحرافات و آسیب‌ها در موضوع مهدویت و تعمیم دادن آن به کل مسئله مهدویت است. به عنوان نمونه؛ پیدایش فرقه‌های دروغین، انحرافات برخی مدعیان مهدویت و یا تعیین وقت برای ظهور و رخ ندادن ظهور در آن وقت، از مواردی است که دست‌آویز مخالفان و یا مستشرقان، برای زیر سؤال بردن اصل آموزه مهدویت، قرار گرفته است. به عنوان نمونه؛ نویسندگان مقاله «مهدی» در دائرة المعارف بریتانیکا از این روش بهره برده و با اختصاص دادن دو سوم حجم مقاله، به معرفی برخی مدعیان دروغین مهدویت و برجسته‌سازی این آسیب، سعی کرده‌اند مهدویت را یک اعتقاد ساختگی و بی‌ریشه معرفی کنند (ر.ک: فهیمی، ۱۳۹۷ش: ۵۰۳-۵۰۴) و حال آن‌که آموزه مهدویت، از اصول مهمی است که ریشه در قرآن و سنت و روایات معتبر فراوان داشته و سوءاستفاده برخی افراد سودجو و دنیاطلب، نمی‌تواند خللی به اصل این اعتقاد وارد کند.

۲۲. پیشگویی آینده و تعیین وقت ظهور

بنابر روایات متعدد، کسی از وقت ظهور امام زمان علیه السلام خبر ندارد و نمی‌تواند برای آن، زمانی مشخص کند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۵ق: ۲۷۲، ح ۶ و ۴۸۶، ح ۴). در روایات اهل بیت علیهم السلام، از تعیین وقت برای ظهور، به شدت نهی شده و دستور داده شده که مردم، کسی را که مبادرت به چنین کاری کند، تکذیب کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸، باب کراهیه التوقیت). در هر دوره‌ای در عصر غیبت، بوده و هستند افرادی که برای جلب توجه و یا به بازی گرفتن اعتقادات مردم و تشکیک و تزلزل در عقیده مهدویت، به پیشگویی آینده و تعیین وقت ظهور می‌پردازند و مردم را گرفتار امید کاذب و بعد یأس و سرخوردگی می‌کنند. حتی اگر این تعیین وقت برای ظهور، توسط برخی بزرگان و عالمان بی‌غرض شیعه و به صورت احتمال، مطرح شود، دشمن می‌تواند از آن سوء استفاده کرده و اصل اعتقاد به مهدویت را مورد حمله و شبهه قرار دهد.

در زمان ۲۱:۳۰ از فیلم مستند «ظهور بسیار نزدیک است» می‌گوید:

با تأمل در روایات، می‌توان فهمید که فاصله آغاز انقلاب ایرانیان تا ظهور، بیشتر از عمر یک انسان معمولی نخواهد بود.

در حقیقت، این جمله این مفهوم را در ذهن مخاطب می‌نشانند که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام یکی از نشانه‌های ظهور است که فاصله آن تا آمدن حضرت، کمتر از عمر یک انسان معمولی است؛ چرا که اگر آغاز انقلاب اسلامی را ۱۳۴۲ش بدانیم و عمر

یک انسان معمولی را ۶۰ سال فرض کنیم، ظهور حضرت باید حداکثر تا سال ۱۴۰۲ ش رُخ دهد!

۲۳. انبوه‌سازی ابهام و سؤال پیچ کردن

یکی از روش‌های شبهه‌افکنی، که می‌توان آن را از اقسام روش‌های مغالطه نیز به‌شمار آورد، انبوه‌سازی پرسش‌ها و سؤال پیچ کردن است. با وجود این که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، حتی در سخت‌ترین شرایط، مردم را به پرسیدن، تشویق کرده و اخطار می‌دادند که مردم به‌خاطر نرسیدن به هلاکت می‌افتند؛ لکن به شدت درباره انبوه‌سازی سؤال و سؤال پیچ کردن نیز هشدار داده و آن را عامل هلاکت انسان‌ها معرفی کرده‌اند. امام رضا علیه‌السلام در واکنش به یکی از یاران که سؤال‌های متعددی را طرح کرده بود، فرمودند:

مگر از کثرت سؤال منع نشده‌اید؟ پس چرا اطاعت نمی‌کنید؟ همانا کسانی قبل از شما به‌خاطر کثرت سؤال به هلاکت رسیدند. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ...» (مائده: ۱۰۱) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۱۷۵).

علّت اصلی منع انبوه‌سازی پرسش، شبهه‌ساز بودن آن است. شبهه‌سازی براساس راهبرد انبوه‌سازی، ممکن است طی مکانیسم‌های ذیل انجام پذیرد:

۱. انبوه‌سازی پرسش، ذهن را قبل از این که به پاسخ برسد، در فضای تاریک پیش‌داوری جهت‌دار، قرار می‌دهد و این امر، مانع از رسیدن به حقیقت یا اطمینان و تواضع در قبال استدلال می‌شود؛

۲. در انبوه‌سازی پرسش‌ها اگر مخاطب، در جواب حتی یکی از سؤال‌ها نیز اقناع نشود، همین عدم اقناع، زمینه‌تثبیت شبهه شده و به‌صورت ناخودآگاه به موارد دیگر هم سرایت و تعمیم داده می‌شود. امام علی علیه‌السلام درباره این آسیب می‌فرمایند: «زمانی که امور مشتبه شود، پایان آنها به اول‌شان سنجیده می‌شود» (بحرانی، ۱۳۶۶: ۵۹۵)؛

۳. انبوه‌سازی پرسش علاوه بر خستگی روانی پرسشگر و پاسخ‌دهنده زمینه‌غور و تعمیق در استدلال را کاهش می‌دهد. امام علی علیه‌السلام در روایتی، ضمن سفارش به غور و تعمیق در پرسش و استدلال، سؤال پیچ کردن را مانع این امر معرفی کرده و گوشزد می‌کند که حتی عالمان اگر به سؤال پیچ کردن مبتلا شوند، به جاهلان شبیه خواهند شد (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۲)؛

۴. انبوه‌سازی پرسش، مستلزم انبوه‌سازی پاسخ‌ها نیز خواهد بود. امام علی علیه‌السلام درباره آسیب انبوه‌سازی پاسخ می‌فرمایند: «إِذَا ازْدَحَمَ الْجَوَابُ حُفَى الصَّوَابِ»؛ هنگامی که پاسخ‌ها

انبوه‌سازی شود، راه صحیح مخفی می‌ماند (همان: حکمت ۲۴۳). چنین راهبردی در بسیاری از سایت‌ها و کتاب‌های گمراه‌کننده توسط مخالفان اندیشه مهدویت و یا مدعیان دروغین، به وفور به چشم می‌خورد. آثاری همچون *اصول مذهب الشیعه ناصر القفاری و متی بشرق نورک ایها المنتظر عثمان الخمیس*، نمونه‌های آشکاری از شیوه انبوه‌سازی سؤالات و شبهات، پیرامون مباحث مهدویت هستند. نمونه بارزتر آن جریان احمد اسماعیل بصری است که در اوائل دعوت و فعالیت خود، با انتشار رگباری بیش از چهل کتاب و جزوه و استفاده از سایت‌های مختلف و فضای مجازی، با سوءاستفاده از این شیوه برای شبهه‌افکنی در امر مهدویت، توانست موفقیت نسبی کسب نموده و افراد زیادی را فریب دهد، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد، پاسخ مناسب به این حجم از کتاب‌ها و ابهامات و شبهات، نیازمند صرف وقت و هزینه است و دشمن، از این خلاء زمانی بیشترین سوءاستفاده را خواهد کرد.

۲۴. آراسته‌سازی

آراستن بیان باطل با آیات قرآن، روایات، سخن دانشمندان، یافته‌های علمی و... یکی از راهبردهای مرسوم در شبهه‌سازی است که زمینه گمراه کردن مردم را ایجاد می‌کند. اصطلاح «زخرف القول» در قرآن و روایات، ناظر بر همین راهبرد است. در روایتی منسوب به حضرت مسیح علیه السلام آمده است که ایشان فرموده‌اند:

چه بسا باطلی که با آیه‌ای از کتاب خدا آراسته گردد؛ همان‌گونه که سگه مسی با طلا ممزوج می‌شود (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۲۹).

مخالفان و مدعیان مهدویت نیز از این شیوه در آثارشان بسیار بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، احمد اسماعیل بصری و طرفدارانش، با استفاده از همین شیگرد، یعنی ارائه کتاب‌ها و جزوات فراوان با محتوای جذّاب و مشحون از آیات و روایات، افرادی را فریب داده و به خود جذب کرده است.

۲۵. تنوّع در شبهه‌سازی و استفاده از روش‌های نوین

شبهه و القای شبهه، در هر زمانی دارای سبک و سیاق خاصی است، در هر عصری و مقطعی از تاریخ، همان‌طور که در گذر زمان، علم تطوّراتی پیدا می‌کند، شبهه هم تطوّراتی دارد و آنهایی که القای شبهه می‌کنند، سبک‌های متنوعی را به کار می‌برند و الان القای شبهه روش‌های نوینی پیدا کرده است. هر چند جنس شبهه همان شبهه قدیم است که بارها جواب

داده شده، اما رنگ و لعابش را تغییر می‌دهند؛ مثلاً عنوان، موضوع، کلمات و بالاخره نوع بیان را و یا جهت شبهه را عوض می‌کنند. شبهه‌ای را که مثلاً هزار سال پیش مطرح شده و به صورت مفصل و متعدّد جواب داده شده؛ اگر بخواهند به همان روش هزار سال پیش، طرح کنند، کسی به آن توجه نمی‌کند. لذا مجبور هستند، رنگ و لعاب و بیان شبهه را عوض کنند و به اصطلاح آن را به روز و مدرن کرده و سپس منتشر کنند. غالب شبهات مهدویت این‌گونه‌اند که اگر پیشینه آنها را دقیق، بررسی کنیم می‌بینیم که در دوره‌های مختلف، در طول بیش از هزار سال پیش، مطرح بوده‌اند و امروزه نیز در قالب نثر جدید و بیان‌های به روز و مدرن و یا با استفاده از ابزار رسانه‌ای جدید، مانند فیلم، کلیپ و... مطرح می‌شوند.

ب) روش‌های برون‌متنی القاء شبهه

منظور از روش‌های برون‌متنی، روش‌ها و شگردهایی هستند که در آنها متن خاصی مورد نظر نیست، بلکه شبهه‌گران عرصه مهدویت، از راه‌های دیگری در دل مخاطب ایجاد شبهه کرده و او را نسبت به اعتقاد به مهدویت، دچار تشکیک می‌کنند. از جمله این روش‌ها و ترفندها عبارتند از:

۲۶. استناد به خواب و رؤیا

بسیاری از مدعیان دروغین مهدویت، برای فریب افراد و جذب آنها، از شیوه استدلال به خواب و رؤیا بهره برده و از این طریق، در عقیده به مهدویت و تشخیص حق از باطل، شبهه ایجاد کرده‌اند. فضل‌الله حرّوفی (بنیانگذار فرقه حروفیه)، سید محمد نوربخش (بنیانگذار نوربخشیه)، سید کاظم رشتی (از ارکان بابیت)، میرزا احمد قادیانی (بنیانگذار فرقه قادیانیه) از جمله کسانی هستند که برای اثبات ادّعی خود، متوسّل به خواب و رؤیا شده و بدین وسیله مدّعی ملاقات با حضرات معصومین علیهم‌السلام شده‌اند (شهبازیان، ۱۳۹۶ش: ۱۷-۳۵).

غلام احمد قادیانی، از مدعیان مهدویت در پاکستان، مستند خویش را خواب‌هایی که دیده است قرار داده و می‌نویسد:

پس اولین بابی که به رویم باز شد، خواب و رویای صالحه بود و من در آن روزها نزدیک به دو هزار یا بیشتر خواب صالحه صادق دیدم (القادیانی، التبلیغ، ۱۰۵).

در تاریخ اول محرم ۱۴۰۰ هجری قمری در مکه، فردی با نام «جهیمیان عتبی» از شیوخ سلفی و وهابی مقیم عربستان و معرفی‌کننده «محمد بن عبدالله قحطان» به عنوان مهدی موعود، آشوبی یک هفته‌ای در مکه به راه انداخت. جهیمیان در اثبات ادّعاهای خود پیرامون

مهدویت محمدبن عبدالله، می‌گوید:

دو سال است که برادران، او (محمدبن عبدالله) را به عنوان مهدی می‌شناسند... به شما بشارت می‌دهم که بارها خواب‌ها درباره خروج مهدی دیده شده و کسانی خواب دیده‌اند که این مهدی را ندیده بودند. وقتی دیدند، تأیید کردند که او همان است که در خواب دیده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۱ش: ۲۵۲).

احمد اسماعیل بصری نیز از این قافله جا نمانده و خواب را یکی از شهادت‌های پروردگار بر خود دانسته و آن را حجت قطعی برای اثبات خود معرفی کرده است (الجواب المنیر، ۱۴۳۱ش: ج ۱، ۷). این فرد در کتاب‌ها، بیانیۀ صوتی و سایت رسمی خود، خواب را روشی از غیب و نزدیک‌ترین راه برای تشخیص امام معصوم دانسته و می‌گوید:

کوتاه‌ترین راه برای ایمان به غیب، استفاده از خود غیب است. پس از سه روز روزه‌داری، متوشل به حضرت زهرا علیها السلام شوید و از خدا بخواهید که حق را در عالم رؤیا، مکاشفه و یا به وسیله یکی از نشانه‌های غیبی‌اش به شما نشان دهد (همان).

در روشی دیگر نیز، خواندن دعایی به مدت چهل شب را پیشنهاد داده و آن را مقدمه‌ای برای کشف حقیقت از طریق رؤیا می‌داند (شهبازیان، ۱۳۹۶ش: ۳۳؛ به نقل از احمدالحسن، بشارت، ۲۴). او می‌گوید: صدها نفر در خواب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را دیده‌اند و آنها فرموده‌اند که او حق است و غیر او باطل (الجواب المنیر: ۱۴۳۱ق: ج ۲، ۱۳). وی علاوه بر آن، اولین آشنایی خود با حضرت مهدی علیه السلام را در قالب خواب تعریف کرده و می‌گوید: ماجرای دیدار این است که من شبی از شب‌ها در خواب بودم که رؤیایی در آن خواب دیدم؛ گویی که امام مهدی علیه السلام کنار درب نزدیک به ضریح سیدمحمد برادر امام حسن عسکری علیه السلام ایستاده بود و به من امر می‌کرد که به دیدارش بروم. بعد از آن خواب بیدار شدم و ساعت هم دو نصف شب بود (محمدی هوشیار، ۱۳۹۵ش: ۱۶۷؛ به نقل از: بیان قصه اللقاء، ۱۵).

نادرستی این سخنان بی‌نیاز از بیان است. خواب در احکام شرعی هم حجیت ندارد، چه برسد به اعتقادات و بلکه به تعبیر امام صادق علیه السلام، دین خدا عزیزتر از آن است که در خواب دیده شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۸۲). گذشته از بی‌اعتباری خواب در امور شرعی و اعتقادی باید گفت که مطابق آنچه در تعالیم دینی وارد شده، شیاطین می‌توانند تخیلاتی را در رؤیا برای انسان‌ها به وجود آورده و آنچه می‌خواهند را به شخصی که خواب می‌بیند القاء نمایند. بنابراین آن‌جا که خوابی خلاف ادله شرعی و یا در راستای ادعاهای دروغین مدعیان باشد،

بی‌تردید از القائنات شیطان به حساب می‌آید.^۱

۲۷. استناد به استخاره

استناد به استخاره نیز، یکی دیگر از ترفندهایی است که برخی از مدعیان دروغین، برای اثبات ادعای خود به آن متوسل شده و بدین‌وسیله در مباحث مهدویت و تشخیص مهدی حقیقی از مهدی دروغین، شبهه ایجاد می‌کنند. به عنوان نمونه: میرزا غلام احمد قادیانی (۱۲۶۵ق) که در ابتدا ادعای مهدویت کرده و سپس خود را پیامبر خدا نامید، استخاره را به عنوان اولین شهادت خدا بر حقانیت خود معرفی کرده است. وی می‌گوید:

من شبانه‌روز قوم خود را انداز داده و آنها را به حق دعوت کردم، آنها را آشکارا و نهان به ایمان فراخواندم و در خلوت هاشان و اجتماعات‌شان آنها را به سوی حق دعوت کرده و گفتم: استغفروا ربکم واستخبروا واستخبروا؛ از خدا طلب مغفرت کرده و استخاره کنید تا خیردار شوید! و از خداوند بخواهید که در امر من شما را با الهامات یاری کند (القادیانی، التبلیغ، ۱۱۹).

احمد اسماعیل بصری نیز از این ترفند برای فریب افراد ناآگاه و ساده‌لوح بهره گرفته و به کسانی که به حقانیت او شک دارند، پیشنهاد می‌دهد با قرآن استخاره کنند. به سخنان ظاهر فریبی که در جزوه ادله جامع یمانی آمده، بنگرید:

استخاره به قرآن از روش‌های امداد غیب خداوند نسبت به بندگان است که خداوند متعال، هر بنده‌ای را که بخواهد با آن تأیید می‌کند و ماورای قدرت بشر می‌باشد و شما ای بنده‌های مسلمان، به قرآن پناه ببرید و از خداوند نصیحت بخواهید، زیرا قرآن، ناصح امین است. عجیب است که انسان از خداوند خواستار خیرخواهی و نصیحت باشد و سپس به خداوند تهمت بزند؛ سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله. بنابراین، این روش اثبات، از ساده‌ترین و محکم‌ترین دلایل تأیید حقانیت سید احمد الحسن می‌باشد. آیا تاکنون کسی را دیده‌اید که بگوید درباره من از خدا به وسیله شهادت قرآن سؤال کنید؟ آیا این خود بالاترین دلیل بر حقانیت ایشان نیست؟ وی سپس روایاتی را در تأیید سخنان خود ذکر می‌کند (احمد الحسن، ۱۴۳۱ق: ۵۲-۵۳).

این در حالی است که نه تنها هیچ دلیل عقلی که هیچ دلیل نقلی نیز، مبنی بر جواز تشخیص وصی و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله استخاره وجود ندارد و در سیره عملی

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مجتهد سیستانی، خواب‌نما (بررسی حجیت خواب در آیات و روایات، نقد جریان احمد الحسن)؛ شهبازیان، خواب پریشان (نگاهی به نقش خواب و رؤیا در جریان‌های انحرافی)؛ پیمانی، تحقیقی پیرامون یمانی و مهدیون اثنی عشر، ۵۱-۷۸؛ حجامی، نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل، ۱۰۹-۱۲۶.

پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و حتی یاران آن بزرگواران، استخاره به عنوان دلیل اثبات امامت، هیچ جایگاهی نداشته و در هیچ یک از منابع روایی شیعه، حدیث یا گزارشی تاریخی در این باب موجود نیست. آنچه را نیز که طرفداران احمد، به کتب شیعه نسبت می‌دهند، توهم و دروغی بیش نیست.^۱

۲۸. تصرفات روحی و استفاده از نیروهای ماورایی

یکی از روش‌های القای شبهات مهدویت که به ویژه در سال‌های اخیر، بیشتر مورد توجه و استفاده شبهه‌گران قرار گرفته، استفاده از نیروهای ماورایی و تصرفات روحی در افراد است. یکی از وجوه تمایز فرقه مدعی یمانی بصری با بسیاری از مدعیان دروغین پیشین در زمینه مهدویت، استفاده از همین روش برای تحت تأثیر قرار دادن و جذب افراد است. آنها با استفاده از نیروهای ماورایی مثل اجنه، تلاش می‌کنند تا در خواب یا بیداری در روح افراد تصرف نموده و با القای شبهه آنها را به خود جذب کنند. همچنین ممکن است برخی از مدعیان دروغین مهدویت، به وسیله ارتباط با اجنه، از امور غیبی یا آینده افراد، خبر داده و بدین وسیله با ادعای معجزه و کرامت، افراد ساده لوح را فریب داده و به خود جذب نمایند، گزارش‌های متعددی درباره کسانی که چنین تجربه‌هایی را داشته‌اند وجود دارد که بیان آنها خارج از محدوده و گنجایش این نوشتار است.

۲۹. استفاده از علوم غریبه

از روش‌های دیگر مدعیان دروغین، برای ایجاد شبهه در مباحث مهدویت، این است که در بسیاری از موارد، از علوم غریبه مانند جفر و زمل و اُسْطِرلاب، سوء بهره‌برداری کرده و بدین وسیله از امور غیبی و پنهانی و یا آینده افراد خبر می‌دهند و آنها را فریفته خود می‌سازند (اسحاقیان، ۱۳۹۵ ش: ۲۰۴-۲۱۴). گاهی نیز با سوء استفاده از علم حروف و یا علم اعداد (مانند محاسبات ابجد) به تفسیر به رأی از قرآن پرداخته و به عنوان مثال؛ زمان ظهور را از برخی آیات قرآن، استخراج نموده و البته آن زمان را هم بر خود یا سران فرقه خود منطبق می‌کنند؛ همانند آنچه که در برخی جزوات بهائیان، عبارت «عَسَقِ اللَّيْلِ» در آیه شریفه ۷۸ سوره اسراء، به حروف ابجد، محاسبه و آن را که برابر با عدد ۱۲۶۰ می‌شود، بر سال بعثت علی محمد باب، تطبیق کرده‌اند (همان: ۱۷۰-۱۷۶).

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید: شهبازیان، ره افسانه، ۶۹-۷۸؛ حجامی، نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل، ۱۰۳-۱۰۹؛ یمانی، تحقیقی پیرامون یمانی و مهدیون اثناعشر، ۷۹-۸۱.

۳۰. ادّعی معجزه و کرامت

در تعالیم دینی، معجزه و کرامت، به عنوان یک دلیل و نشانه برای مدّعی امامت، موضوعیّت داشته و برای اثبات حقّانیت او مورد استناد قرار می‌گیرد. یکی از ترفندهای مدّعیان دروغین مهدویت که در برخی موارد، باعث ایجاد شبهه در دل افراد ساده لوح و فریب آنها می‌شود؛ ادّعی معجزه و کرامت است. به عنوان نمونه یکی از معجزاتی که بیانیه آن از طرف احمد بصری در شوال ۱۴۲۴ هجری قمری صادر شده، بیان محل دفن حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد! وی چنین ادّعا می‌کند:

اولین معجزه‌ای که برای مسلمانان و تمامی مردم جهان آورده‌ام این است که؛ همانا من می‌دانم که محل دفن حضرت زهرا علیها السلام کجاست. در حالی که تمام مسلمانان اعتقاد دارند که قبر ایشان مخفی می‌باشد و حضرت مهدی علیه السلام مکان آن را می‌داند. ایشان نیز به من خبر داد که محل دفن حضرت فاطمه علیها السلام کنار قبر امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد (شهبازیان، ۱۳۹۷ ش: ۸۲-۹۵؛ به نقل از سایت رسمی احمد بنام المهدیون).

این فرد، مدّعی است که محل دفن حضرت زهرا علیها السلام مخفی بوده و تنها حضرت مهدی و منسوبان به ایشان، از مکان آن اطلاع دارند و به عنوان معجزه، مکان قبر را در بقیع و در کنار امام حسن مجتبی علیه السلام معرفی می‌کند در حالی که آنچه روایات اهل بیت علیهم السلام برای ما مشخص کرده‌اند، غیر از ادّعی احمد بصری است و به روشنی، بطلان معجزه ادّعی او را ثابت می‌کند (همان: ۸۷).

نتیجه‌گیری

دشمنان و مخالفان اعتقاد به مهدویت، از روش‌ها و ترفندهای گوناگونی برای القاء شبهه و تضعیف و تخریب این عقیده در دل افراد استفاده می‌کنند که آشنایی با این ترفندها برای دفاع از حریم امامت و ولایت و پاسخ مناسب و دقیق به شبهات مهدویت، لازم و ضروری است. از جمله این شگردها؛ مغالطه، جعل حدیث، تحریف و تقطیع روایات، استناد به نقل‌های شاذ، استناد به منابع متأخر و کم اعتبار، تأویل بدون دلیل و استناد به خواب و رؤیا و استخاره است. بسیاری از فرقه‌های انحرافی و مدّعیان دروغین مهدویت از شگردها و شیوه‌های گوناگونی که ۳۰ مورد از آنها در این نوشتار بیان شده است استفاده و به تبلیغ و جذب افراد می‌پردازند که آشنایی با این شگردها، باعث خنثی‌سازی تلاش آنها و عدم تأثیرپذیری از آنها خواهد شد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی تا)، *تاریخ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم المقاییس اللغه*، تصحیح و تحقیق: هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابو رغیف، علی (۱۴۳۴ق)، *الطریق الی الدعوة الیمنیه*، (کتاب شماره ۱۱۷)، بی جا: اصدارات انصار الامام المهدی علیه السلام.
۵. اسحاقیان، جواد (۱۳۸۸ش)، *پیچک انحراف «زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرایش برخی از مردم به مدعیان مهدویت و نیابت در دو قرن اخیر»*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۶. اسحاقیان، جواد (۱۳۹۵ش)، *اشباح انحراف: بررسی انحرافات تفسیری جریان های مدعی مربوط به مهدویت در تاریخ معاصر*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت.
۷. آل محسن، شیخ علی (۱۴۳۴ق)، *الرد القاصم لدعوة المفتري علی الإمام القائم*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۸. آیتی، نصرت الله (۱۳۸۸ش)، «تأملی بر چند شبهه مهدوی»، *فصل نامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۱۲.
۹. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۳ش)، *راه روشن (پاسخ به شبهات قفاری درباره اندیشه مهدویت)*، قم: مؤسسه آینده روشن.
۱۰. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۴ش)، *از تبار دجال (نقد مدعی یمانی)*، قم: مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).
۱۱. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۴ش)، *راه و بیراهه*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۲. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۶ش)، *ناقوس گمراهی (نقد مدعی یمانی)*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

۱۳. بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۶۶ش)، *اختیار مصباح السالکین*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. برزویی، محمدرضا (۱۳۹۵ش)، «شیوه‌های ارتباطی مدعیان دروغین مهدویت در عصر غیبت با تأکید بر فرقه بهائیت»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۴۰.
۱۵. برقی، احمد بن خالد بن محمد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی (۴۱۷ق)، *انساب الأشراف*، بیروت، دارالفکر، اول.
۱۷. پیمانی، احمد (۱۳۹۶ش)، *تحقیق پیرامون یمانی و مهدتین اثناعشر*، قم: اکرام.
۱۸. جعفری، جواد (۱۳۹۴ش)، *حدیث حضور؛ دلیل‌های نقلی وجود امام دوازدهم (پاسخ به شبهات کاتب)*، قم: مؤسسه آینده روشن.
۱۹. جعفری، محمدصابر (۱۳۸۴ش)، «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، ش ۱۵.
۲۰. جعفریان، رسول (۱۳۹۱ش)، *مهدیان دروغین*، تهران: نشر علم.
۲۱. الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۴ش)، *الصحاح*، تهران: انتشارات امیری.
۲۲. حجامی، حسین (۱۳۹۶ش)، *نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. الحُرّ العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحياء التراث.
۲۴. الحسن، احمد (۱۴۳۱ق)، *ادله جامع یمانی*، بی‌جا: اصدارات انصار المهدی علیه السلام.
۲۵. الحسن، احمد (۱۴۳۱ق)، *الجواب المنیر عبر الاثیر*، بی‌جا: اصدارات انصار الامام المهدی علیه السلام.
۲۶. الحسن، احمد (۱۴۳۱ق)، *المتشابهات*، بی‌جا: اصدارات انصار الامام المهدی علیه السلام.
۲۷. الحسن، احمد (۱۴۳۱ق)، *بیان الحق والسداد من الاعداد*، بی‌جا: اصدارات انصار المهدی علیه السلام.
۲۸. حیدری چراتی، حجت؛ فلاح، محمدعلی (۱۳۹۴ش)، *ستیزیا آفتاب (نقد جریان انحرافی احمد الحسن مدعی یمانی)*، قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۲۹. زهادت، عبدالمجید (۱۳۹۲ش)، *بررسی حدیث معرفت از منظر فریقین*، قم: انتشارات حکمت اسلامی.
۳۰. الزیادی، حیدر (بی‌تا)، *الیمانی الموعود حجة الله*، بی‌جا: بی‌نا.
۳۱. سلمان پور، محمد مهدی (۱۳۹۶ش)، *رسول ابلیس؛ نگاهی به تحریفات مدعی یمانی احمد*

- اسماعیل بصری، قم: انتشارات کتاب جمکران.
۳۲. سلیم بن قیس هلالی (۱۴۲۲ق)، کتاب سلیم بن قیس، تحقیق: محمدباقر انصاری زنجانی، قم: دلیل ما.
۳۳. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۹ش)، «بررسی نقش جریان وضع حدیث در برخی آموزه‌های مهدویت»، فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
۳۴. شاکری زواردهی، روح‌الله (۱۳۹۵ش)، کژراهه بی‌پایان؛ تأملی در فرقه‌های انحرافی و مدعیان دروغین، قم: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها).
۳۵. شهبازیان، محمد (۱۳۹۶ش)، خواب پریشان (نگاهی به نقش خواب و رؤیا در جریان‌های انحرافی)، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، سوم.
۳۶. شهبازیان، محمد (۱۳۹۷ش)، زو افسانه (نقد و بررسی فرقه یمانی بصری)، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، دهم.
۳۷. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ کامیاب، مسلم (۱۳۹۵ش)، «ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت، در ایران معاصر»، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، شماره ۵۵.
۳۸. طبری آملی صغیر، محمدبن جریر (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، تحقیق و تصحیح: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه بعثت، قم: مؤسسه بعثت.
۳۹. طبری، عمادالدین (۱۴۲۰ق)، بشاره المصطفی لشیعۃ المرتضی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۰. طبسی، نجم‌الدین؛ امینیان، سعید (۱۳۹۷ش)، «بررسی و نقد ترفندهای عثمان بن محمد الخمیس در القای شبهه‌ها در زمینه مهدویت»، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، سال ۱۸، شماره ۶۳.
۴۱. عثمان الخمیس، عثمان بن محمد (۱۴۲۹ق)، متی یشرق نورک ایها المنتظر؛ عجیب‌ترین دروغ تاریخ، ترجمه: اسحاق دبیری، به اهتمام: عبدالله بن سلمان، ریاض: دارالطیبه.
۴۲. عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۲ش)، قبیله تزویر (بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان)، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۴۳. عصیری، سیدمجتبی (۱۳۹۵ش)، شبهات مهدویت، قم: مؤلف.
۴۴. العقیلی، ناظم (۱۴۳۳ق)، سامری عصر ظهور، بی‌جا: بی‌نا.

۴۵. العمیدی، سیدنا مر هاشم (۱۳۹۷ش)، *درانتظار ققنوس*، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۶. فقیه ایمانی، مهدی (۱۳۷۰ش)، *شناخت امام یاره رهائی از مرگ جاهلی*، قم: مؤلف.
۴۷. فلاح علی آبادی، محمد علی (۱۳۹۸ش)، *تأویل‌گرایی در انحرافات مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۸. فهیمی اصفهانی، سید محمد (۱۳۹۷ش)، «نقد و بررسی مقاله «مهدی» در دائرة المعارف بریتانیکا»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۴۵/۲.
۴۹. قادیانی، غلام احمد (بی‌تا)، *التبلیغ*، بی‌جا: بی‌نا.
۵۰. قفاری، ناصر (بی‌تا)، *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد*، بی‌جا: دارالرضا.
۵۱. کدخدایی، محمد رضا (۱۳۹۵ش)، «بایسته‌های شبهه پژوهی و شبهه‌شناسی»، *فصل‌نامه علمی تخصصی پاسخ*، سال اول، شماره ۲.
۵۲. کریمی، مرتضی (۱۳۹۸ش)، *توهم ارشاد (نقد مدعی ایمانی)*، قم: مؤسسه آینده روشن.
۵۳. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۶. محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۹۱ش)، *بررسی افکار و دیدگاه‌های ابوالفضل برقمی*، تحقیق: محمد باقر نحوی، تهران، راه نیکان.
۵۷. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۵ش)، *درستنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری*، قم: تولی.
۵۸. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۶ش)، *دگان‌های کاغذی (جریان‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت)*، قم: انتشارات کتاب جمکران.
۵۹. محمدی هوشیار، علی (۱۳۹۷ش)، *روشن‌تراز خورشید (نقد جریان احمد الحسن البصری)*، قم: دارالتفسیر.
۶۰. محمدی، محمد علی (۱۳۹۴ش)، *اعجاز قرآن با گرایش شبه پژوهی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶۱. مطیعی، مرتضی (۱۳۹۲ش)، *مهدویت برترین حقیقت تاریخ؛ ردی بر کتاب عجیب‌ترین دروغ*

تاریخ، تهران: نشر مشعر.

۶۲. مظفری ورسی، حیدر (۱۳۹۲ش)، *جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی، قم: دلیل ما.*
۶۳. معارف، مجید؛ صادقی، سیدجعفر (۱۳۹۴ش)، «ردّ پای اسرائیلیات در روایات مهدوی»،
فصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۶.
۶۴. معاونت پژوهش مؤسسه آینده روشن (۱۳۹۰ش)، *مهدویت؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).*
۶۵. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴ش)، *موعود/دیان، قم: مؤسسه فرهنگی خرد آوا.*
۶۶. shakhsighablazemam، مجموعه کتب انصار امام المهدی.

